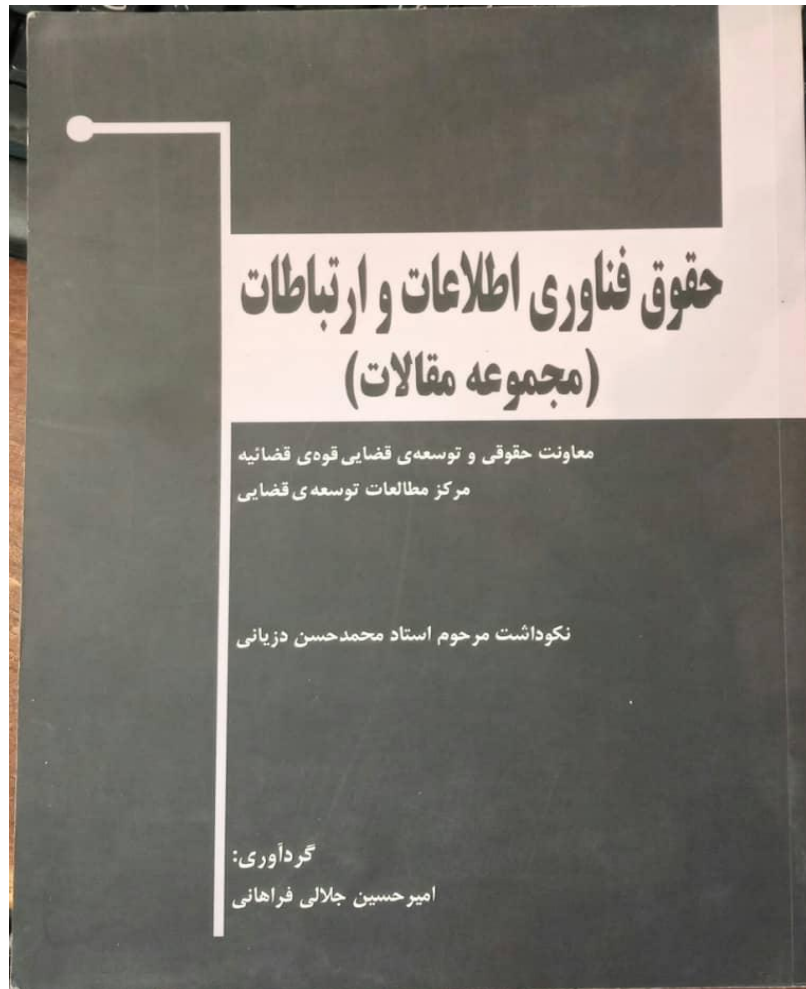


حریم خصوصی در فضای سایبر

تابستان ۱۳۸۸

هرمز یزدانی زنوز

منتشر شده در





حریم خصوصی در فضای سایبر

هرمز یزدانی زنوز*

درآمد

معمولاً هدایای بزرگ هزینه گزافی نیز دارند. امروزه فضای سایبر امکانات بسیاری را در اختیار بشر گذاشته است و بخش قابل توجهی از امور آن، از فضای حقیقی به فضای مجازی منتقل شده است تا با سرعت بیشتر و هزینه کمتر و کیفیت بهتر انجام شود. اما بسیاری از جرایمی که در فضای حقیقی ارتکاب می‌یابند، در فضای مجازی نیز قابل ارتکابند که می‌توان به سرقت، جعل، تخریب، کلاهبرداری، تروریسم و سایر موارد اشاره کرد. در این میان، بسیاری از اطلاعات افراد و گروه‌ها، در فضای سایبر ذخیره، منتقل یا پردازش می‌شوند و این در حالی است که امکانات فنی زیادی نیز برای دسترسی غیرمجاز به آنها وجود دارد و آگاهی غیرمجاز سایر افراد و گروه‌ها به آنها می‌تواند نقض حریم خصوصی افراد به شمار آید. در این مقاله، مبانی، ماهیت و محتوای حق بر حریم خصوصی و مصادیق آن در فضای معمولی و سایبر بررسی می‌شود. در ادامه، با بررسی تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی بررسی و با مطالعه تطبیقی دو کشور ایالات متحده آمریکا و فیلیپین، پیشنهادهای ارائه می‌شود.

* کارشناس ارشد حقوق بشر از دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر کمیسیون سیاست جنایی مرکز مطالعات توسعه قضایی
hormuzyazdani@gmail.com

بند اول: مفاهیم و تعاریف

در تعریف یک مفهوم، ما به توضیح دقیق چیستی آن می‌پردازیم و خطوطی که آن را از سایر مفاهیم متمایز می‌کند، نمایان می‌سازیم و اجزاء و کمیت و کیفیت آن را مشخص می‌کنیم. لذا، بعد از ذکر مفاهیم، لازم است که به تعاریف پرداخته شود؛ اگرچه این امر معقول به نظر می‌رسد، ولی از نظر منطقی پایانی بر آن متصور نیست، چرا که ما در هر تعریف، دوباره لاجرم مفاهیمی به کار می‌بریم که ممکن است خود نیاز به تعریف داشته باشند و الی آخر.

ابتدا لازم است هر یک از مفاهیم «حریم» و «خصوصی» بررسی و سپس به ترکیب «حریم خصوصی» پرداخته و مشخص شود که آیا حریم خصوصی واقعاً یک حق است و در این صورت، در زمره کدام زیرشاخه حقوقی قرار می‌گیرد. سپس به هنگام ورود به فضای سایر، باید دید این حق تغییر ماهیت می‌دهد یا خیر. در این صورت، آیا به تعریف جداگانه‌ای نیاز خواهد بود یا خیر.

اول: حریم

حریم کلمه‌ای عربی و در لغت به معنای «منع» است و معانی دیگری نیز برای آن ذکر شده است، از جمله در ترجمه المنجد، معنای کلمه حریم را بازداشت‌شده، نهی شده، حرمت و آبروی مردم و اطراف گرداگرد حوض ذکر شده و معنای «حَرَم» نیز حرام، ممنوع، مقدس و مصون آمده و «حریم الدار» را «اطراف خانه که به آن تعلق دارد» معنی شده است.^۱

همچنین از حَرَم به گرداگرد سرای خانه، دور امکان مقدس و خصوصاً کعبه، داخل خانه، اندرون و امکان مقدس بویژه کعبه، محل اقامت اهل و عیال مرد، پردگیان و زنان عقدی و صیغه‌ای یاد شده و در معنی حریم آمده «آنچه از پیرامون خانه و عمارت بدان متعلق باشد. مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد». به علاوه حَرَم محدوده‌ای از دور کعبه به مساحت ۴ فرسخ مربع است و به معنی محل زندگی زنان شوهردار و مجرد خانواده و به عنوان «بست» یاد شده است.

بر اساس ماده (۱۳۶) قانون مدنی، حریم از حرمت به معنی منع است، زیرا تعرض دیگران به حق صاحب حریم ممنوع است. عناصر حریم عبارتند از:

۱. ترجمه «المنجد»، احمد سیاح، انتشارات اسلام، جلد اول، ۱۳۸۲.

وجود ملک ولو به صورت اختصاصی؛

وجود موات در کنار آن - در املاک معمور حریم نیست؛ و

برای کمال انتفاع آن ملک نیاز به قسمتی از موات مجاور افتد و این به حسب اشیاء مختلف متفاوت است و حریم را مستقلاً نمی‌توان معامله کرد.^۱

حق حریم، یک حق تبعی است و اگر ملکی تغییر وضعیت دهد و نیاز به حریم نداشته باشد، دیگر حق حریم هم ندارد. عده‌ای معتقدند حریم در حکم ملک صاحب حریم است و قابل تصرف و تملک از جانب دیگران نیست،^۲ ولی برخی حقوقدانان با این نظر مخالف بوده و برای مثال ذکر می‌کنند که می‌توان در حریم قنات، دیگری باغ درست کند و حریم تنها از حیث امتناع از زدن چاه است.

در ادبیات حقوقی کشور ما، به نظر می‌رسد حریم فقط در ارتباط با «اموال» مورد بحث قرار گرفته و صحبتی از «اشخاص» به میان نیامده است و عدم اشاره به حریم خصوصی افراد در قانون اساسی و سایر قوانین نیز تا حدی مؤید این امر است و کلمه حریم نیز فقط در قانون مدنی در ارتباط با اموال آمده و در سایر قوانین هم حریم خطوط انتقال نیرو و جاده‌ها و از این قبیل ذکر شده است. در مباحث حقوقی این حوزه‌ها، حریم را مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن دانسته‌اند که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.^۳ حریم را از آن جهت حریم می‌گویند که تعرض دیگران به آن به نحو عدوان حرام و ممنوع است و این معانی از فقه برگرفته شده است.^۴ با توجه به موارد فوق‌الذکر، حریم نام قطعه‌ای زمین است و حقی که مالک مجاور حریم بر آن دارد، «حق حریم» خوانده می‌شود. پس حق حریم از نوع «حق ارتفاق» است.

نظر به آنچه ذکر شد، حریم «مکان» است که در ادبیات حقوقی ایران در ارتباط با اموال در نظر گرفته شده و مورد بحث قرار گرفته است و در ارتباط با افراد به وضوح بحث نشده و در قوانین نیز صراحتاً ذکر نشده است؛ اگرچه در معنی حریم و حرم از آن به عنوان محل زندگی زنان شوهردار و مجرد نیز یاد شده است.

۱. لنگرودی، محمد جعفر، «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۲. امامی، «حقوق مدنی»، جلد اول، ص ۱۳۱.

۳. لنگرودی، محمد جعفر، «حقوق اموال»، ص ۳۲۹.

۴. «الحاوی»، سیوطی، جلد ۱، صص ۲۰۹-۲۱۱.

از مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که اولاً حریم «مکان» است، ثانیاً تصرف در آن که منافی مقصود از حریم باشد، بدون اذن مالک ممنوع است، ولی تصرفاتی که موجب ضرر نشود و منافی با حق حریم نباشد، مانعی نخواهد داشت.

دوم: خصوصی

این لفظ در مقابل «عمومی» بکار می‌رود و عبارت است از خاص گردانیدن، مخصوص کردن و ویژه ساختن چیزی برای فرد یا گروهی. معادل انگلیسی این کلمه «Private» است که به «تعلق چیزی به یک شخص یا مختص به استفاده یک شخص یا گروه خاص و نه استفاده عمومی» معنی شده است. همچنین از آن به «در نظر گرفته شده برای فرد یا گروهی نه برای همه مردم به طور کلی» یاد شده است. معنی «Private» افکار و احساسات شخصی را نیز دربردارد و آنچه را که فرد نمی‌خواهد سایرین در مورد آن بدانند و آن را به اشتراک نمی‌گذارد شامل می‌شود.

اگرچه معنی خصوصی و معادل انگلیسی آن روشن است، اما تعریف و تفکیک دقیقی از حوزه عمومی و خصوصی به عمل نیامده و اختلاف نظرها در این خصوص فراوان است. چه چیزی به حوزه خصوصی و چه چیزی به حوزه عمومی تعلق دارد و مرز دقیق این دو کدام است؟ لذا با توجه به حقوق سنتی ما، ترکیب دو کلمه فوق که «حریم خصوصی» است، تعریف خاصی پیدا می‌کند.

از آنجا که حریم به «مکانی» اشاره دارد که تعرض دیگران به نحو عدوان در آن حرام و ممنوع است و با توجه به معنی خصوصی، می‌توان نتیجه گرفت که حریم خصوصی عبارت است از «مکانی گرداگرد ملک متعلق به شخص خاص که به منظور کمال انتفاع از آن ملک لازم است و تصرف در آن که منافی مقصود از حریم باشد بدون اذن مالک ممنوع است».

بدیهی است این معنی از حریم خصوصی در شمول آنچه امروزه مد نظر ماست، کفایت نمی‌کند. اساساً آنچه امروز مطرح است، همان معادل «Privacy» انگلیسی و به عبارت دقیق‌تر «The Right to Privacy» است و «Privacy» در انگلیسی به معنی خلوت، محرمانگی و پنهان‌داری است و منظور ما از حریم خصوصی همانا متوجه همین مفاهیم است.

اگرچه با این رویکرد ممکن است چنین به نظر آید که حریم خصوصی مفهومی وارداتی است و ما در سوابق خود چنین مفهومی نداریم، ولی در واقع چنین نیست و اسلام

بدون ذکر عبارت حریم خصوصی از آن حمایت کرده است و این حمایت چنانکه بعداً بحث خواهد شد، جایگاه حریم خصوصی را در اسلام در موضعی مستحکم‌تر از حقوق غرب قرار می‌دهد.

با توجه به توضیحات فوق، مفاهیمی که در ارتباط با حریم خصوصی مطرح می‌شوند عبارتند از: خلوت، محرمانگی، ناشناخته ماندن (گمنامی)، خودمختاری و عدم مداخله که تمامی این مفاهیم، ارتباط تنگاتنگ و مکملی نسبت به یکدیگر و در ارتباط با حریم خصوصی دارند.

سوم: حریم خصوصی

در ادبیات حقوقی، حریم خصوصی عبارتی است که تعریف آن بسیار مشکل است و بسته به شرایط و محیط، بسیار متفاوت به نظر می‌رسد. در بسیاری از کشورها، این مفهوم با «حمایت از داده»^۱ گره خورده است که حریم خصوصی را به «مدیریت اطلاعات شخصی» تفسیر می‌کنند. علاوه بر مورد مضیق فوق، بارها دیده می‌شود که حریم خصوصی در صدد ترسیم مرزی است که حدود مداخله جامعه در امور شخصی را مشخص می‌کند. این امر خود مستلزم تمایز دو حوزه عمومی و خصوصی از یکدیگر است؛ هرچند اتفاق نظری در این خصوص دیده نمی‌شود. برخی استدلال می‌کنند با بررسی تبارشناسی انسان معلوم می‌شود که نمی‌توان تمایز بین دو حوزه عمومی و خصوصی را بر اساس یک جنبه بنیادین انسانی پایه‌گذاری کرد.

با این حال، از نظر تاریخی روش‌هایی برای تمایز عمومی و خصوصی وجود دارند و بر اساس آنها «عمومی» حوزه‌ای است که هر شخص می‌تواند در آنجا وارد شود و در آنجا اصل «عدم توجه» حاکم است؛ به این معنی که افراد در این حوزه وارد می‌شوند و امور خود را دنبال می‌کنند، بدون اینکه توجهی به دیگران داشته باشند و حضور آنها در آن حوزه به خودی خود مزاحمتی برای دیگران نیست. همچنین، از «عمومی» به عنوان واقعیت‌هایی در مورد فرد یاد شده که بطور معرفت‌شناختی در دسترس هرکس قرار دارند، برخلاف آنهایی که به طور معرفت‌شناختی تنها برای خود فرد در دسترسند.

از مباحث فوق، می‌توان دو جنبه را برای حق بر حریم خصوصی استخراج کرد که عبارتند از:

حق فرد به آزاد بودن از مداخله دیگران در فعالیت‌هایش، تا جایی که این فعالیت‌ها آسیبی به دیگران نمی‌رساند؛ و حق فرد در انتخاب به داشتن اطلاعات مربوط به خودش که برای دیگران غیر قابل دسترس است.

اگرچه ممکن است تعریف ساده و دقیقی برای حریم خصوصی وجود نداشته باشد، ولی دلیلی بر کم‌اهمیت بودن موضوع نیست، زیرا به نظر برخی از حقوقدانان، از یک منظر، تمامی حقوق بشر جنبه‌ای از حق بر حریم خصوصی هستند. در سال ۱۸۹۰، لوئیس براندیس،^۱ قاضی دیوان عالی ایالات متحده استدلال کرد که مفهوم حریم خصوصی، حق افراد بر تنها بودن است که ارتباط تنگاتنگی با آزادی‌ها در یک نظام مردم‌سالار دارد و باید در قانون اساسی منعکس شود.

الیس اسمیت، ناشر مجله «حریم خصوصی»، حریم خصوصی را «تمایل هر کدام از ما به فضای فیزیکی که در آنجا بتوانیم آزاد از مزاحمت و تجاوز دیگران بوده و در معرض شرم‌ساری و پاسخگوئی نباشیم و کنترل زمان و شیوه افشای اطلاعات شخصی‌مان در اختیار خودمان باشد»^۲ تعریف می‌کند.

کمیته کالکوت^۳ بریتانیا اظهار داشته «ما نمی‌توانیم جایی پیدا کنیم که تعریف قانع‌کننده و قانونی از حریم خصوصی نسبت به آن صدق کند». در عین حال، این کمیته حریم خصوصی را اینگونه تعریف می‌کند: «حق حفاظت شده افراد در برابر مداخله دیگران در زندگی خصوصی، امورات یا خانواده آنها که ممکن است با استفاده از ابزار مستقیم فیزیکی یا انتشار اطلاعات صورت گیرد».^۴

در مقدمه منشور حریم خصوصی استرالیا تصریح شده: «یک جامعه آزاد و مردم‌سالار باید به خودمختاری اشخاص احترام گذارد و قدرت دولت و سازمان‌های خصوصی را به منظور ممانعت از مداخله آنها در این خودمختاری محدود کند».^۵

در تعریفی دیگر از حریم خصوصی آمده است: «حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات در اینکه

1. Louis Brandeis

2. "Privacy and Human Rights", 2004, Privacy International (PI), Lonon, UK & Electronic Privacy Information Center (EPIC), Washington, DC, USA, released the 7th Privacy and Human Rights report on 17 November 2004, p.5.

3. Calcutt

4. Ibid, p. 6.

5. Australian Private Charter, 6 December 1994, <http://www.anu.edu.au/people/Roger.Clarke/DV/PrivacyCharter.html>

خود تعیین کنند چه زمانی، چگونه و تا چه حد اطلاعات مربوط به آنها به دیگران انتقال یابد.^۱ به طور کلی، حریم خصوصی را می‌توان به عنوان فضای خصوصی فردی درک کرد که در داخل آن، فرد کنترل مطلق دارد و دسترسی دیگران به آن فقط با اجازه وی میسر است. این فضا الزاماً در اطراف فرد نیست، بلکه می‌تواند فرسنگ‌ها از او فاصله داشته باشد و دسترسی به آن نیز تنها به معنی حضور در آن فضا نیست، بلکه هرگونه وقوف از آنچه که در آن فضا می‌گذرد نیز دسترسی محسوب می‌شود و آنچه اهمیت دارد اطلاعات مربوط به فرد است که دیگران نباید از آنها مطلع شوند. البته بسته به وضعیت این اطلاعات، حریم خصوصی به انواعی تقسیم می‌شود که در ادامه خواهد آمد.

چهارم: فضای سایبر

خلاقیت انسان، فضای سایبر را به ما هدیه کرده است، فضایی که منافع و قابلیت‌های بسیاری دارد. اما هدایای بزرگ بهای گزافی نیز دارند. عبارت «فضای سایبر» را اولین بار ویلیام گیمبسون^۱ در داستانش به نام «نیرومانسر»^۲ بکار برد. وی آینده‌ای نزدیک را که در آن شبکه‌های رایانه‌ای امکان مهافرت مجازی را به افراد خواهند داد، پیش‌بینی کرد.

فضای سایبر فضایی است که یک مکالمه تلفنی در آن واقع می‌شود. این فضا نه در داخل دستگاه تلفن پلاستیکی که روی میز ماست قرار دارد و نه در تلفن سایر افراد که در سایر شهرها هستند، بلکه فضایی میان پایانه‌های آنهاست. در بیست سال گذشته، این فضا یک فضای الکتریکی تیره و نازک یک بعدی بود که بیشتر به یک لوله صوتی شبیه بود، اما اکنون از یک سیم باریک و تیره، به جعبه‌های گول‌پیکری که نور در آن جریان دارد، انبساط یافته است. نور براق و رنگی این جعبه‌ها، خط تاریک الکتریکی عالم مردگان را به چشم‌اندازی روح‌نواز تبدیل کرده و رایانه و تلویزیون با تلفن بهم آمیخته است.

پیش از اینکه فضای سایبر به عنوان یک فناوری ظاهر شود، تعدادی از فلاسفه در ارتباط با امکان وجود حقیقت مجازی^۳ اظهار نظر کرده بودند. برای نمونه، افلاطون در کتاب جمهوریت خود به تمثیل غار می‌پردازد و می‌گوید «آنچه حقیقت واقعی است در بیرون غار است و ما سایه‌های آن بر دیوار غار هستیم. او می‌گوید، ما حقیقت مجازی هستیم و این یک فریب است که فکر می‌کنیم حقیقت واقعی هستیم».

برخی فلاسفه معاصر نیز به حقیقت مجازی اشاره کرده‌اند. برای مثال دیوید دوج^۱ در اثر خود به نام «ساخت واقعیت» به حقیقت مجازی اشاره می‌کند و می‌گوید: «بگذارید ملتی را تصور کنیم که در آن هرکس از بدو تولد به یک ساختار شبکه حقیقت مجازی وصل می‌شود و در آن فضا غوطه می‌خورد و هرگز نمی‌تواند تصور کند که زندگی شکل دیگری هم دارد و اولین کسانی که تصور کنند زندگی دیگری مثل زندگی ما می‌تواند جایگزین آن شود، تمسخر خواهند شد».

در هر حال، فضای سایبر از دو کلمه ایجاد شده است، «فضا» و «سایبر». فضا که همان معادل "Space" انگلیسی است، بر چند جنبه دلالت دارد:

گستره بیکران واقعی است؛ یعنی شامل چیزهایی می‌شود که در یک لحظه نمی‌توان همه را به چنگ آورد.

بر حرکت آزاد و توانایی دیدار از مکان‌های مختلف دلالت دارد و متضمن مفاهیمی مثل فاصله، جهت و بُعد است.

از طرف دیگر، «سایبر» به علم سایبرنتیک اشاره دارد که خود از کلمه یونانی "Kubernao" به معنی راندن و هدایت کردن ناشی می‌شود و بر هدایت کشتی و هواپیما از طریق داده‌های الکترونیکی دلالت ضمنی دارد. در خلق مفهومی به نام «فضای سایبر»، مراجعه به سایبرنتیک بجا و مهم است، زیرا سایبرنتیک علم اطلاعات و ارتباطات تعریف می‌شود. برای مثال، گیمبسون در داستان خود شرح می‌دهد که چگونه یک فرد با وارد شدن به فضای سایبر می‌تواند هلیکوپتری را با کنترل رایانه‌ای به سوی هدف‌های مختلف هدایت کند.

با توجه به مباحث فوق، فضای سایبر یک فضای منفعل داده‌محور مثل کتابخانه نیست، بلکه کانال‌های ارتباطی با دنیای واقعی دارد که تأثیر و تأثر دوجانبه با دنیای واقعی دارند.

فضای سایبر دوگانگی فضای فیزیکی و حجم مثبت و منفی ندارد. در فضای فیزیکی، حجم خالی یک اتاق، فضای منفی و حجم دیوارها فضای مثبت است. بنابراین، مفهوم فضای سایبر به حجم اشاره ندارد، بلکه به امکان گردش بین صفحات و سایت‌های مختلف اشاره دارد که با ایجاد امکان بازخورد بین کاربر و بقیه سیستم، ظرفیت رویارویی مداوم با امور نامشخص و غیرمنتظره را ایجاد می‌کند، اگرچه برخی پیش‌بینی می‌کنند که دسترسی به حجم نیز در آینده‌ای نزدیک میسر خواهد شد.

با همه این تفاسیر، هنوز دقیقاً نمی‌توان گفت که فضای سایبر کجاست. شبکه‌ای از کابل‌های سیمی و نوری و رایانه‌ها و امواج رادیویی که با هم در ارتباطند. تعریف چنین فضایی که بخشی از آن را امواج الکترومغناطیسی، بخشی را نور و بخشی را جریان الکتریسته تشکیل می‌دهد، بسیار مشکل است. سیم‌ها و کابل‌های نوری که به حافظه مغناطیسی رایانه‌ها متصلند، در حالی که الکتریسته و نور در آنها جریان ندارد، همان فضای معمولی سه‌بعدی فیزیکی‌اند که احدی نمی‌تواند در داخل آنها به گشت و گذار پردازد. حتی جریان الکتریسته برنامه‌ریزی نشده نیز چنین امکانی به ما نمی‌دهد.

بی‌شک لایه زیرین فضای سایبر، همان اتصالات سیم‌ها، کابل‌های نوری و حافظه رایانه‌ها و در یک معنی شاید بتوان گفت که سخت‌افزارها هستند و در جایی که نور یا الکتریسته به امواج الکترومغناطیسی تبدیل می‌شود، فضای معمولی جو زمین یا فضای بین سیاره‌ای نیز می‌تواند حکم یک فیبر نوری یا سیم را داشته باشد.

هنگامی که الکترون‌ها در سیم‌ها و فوتون‌ها در فیبرهای نوری و امواج در فضای فیزیکی جریان می‌یابند، هنوز می‌توانند امور خنثی به حساب آیند و انسان درکی از آنها نداشته باشد، اما اگر اینها به صورت بسته‌هایی به حرکت درآیند که نمایانگر علامتی باشند که انسان یا رایانه صادر کرده است و می‌تواند برای انسان یا دستگاه قابل فهم باشد، در این صورت می‌توان گفت که فضای سایبر پدید آمده است. به عبارت دیگر، داده در شبکه جریان دارد و در مکان‌هایی ذخیره شده است که به حرکت کاربر مثل یک فضای فیزیکی واقعی واکنش نشان می‌دهد. داده بر روی پایانه‌ها می‌تواند به اشکال مختلفی ظاهر شود، مثل صوت، تصویر و حسگری عصبی که در این صورت با کاشت حسگری عصبی در بدن انسان و وصل آنها به پایانه‌های فضای سایبر می‌توان گفت بخشی از سلسله اعصاب بدن نیز به همراه داده‌ای که در آن جریان دارد، به قسمتی از فضای سایبر تبدیل خواهد شد.

از همه این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که روح فضای سایبر همان «داده» است و داده بر هر ماده و شیئی که جریان دارد صدق می‌کند. یک وبسایت مجموعه‌ای از داده‌هاست که بر روی صفحه رایانه ظاهر می‌شود و وقتی ما از صفحه‌ای به صفحه دیگر در یک وبسایت می‌رویم یا از طریق پیوندهای^۱ متفاوت وارد صفحات دیگر می‌شویم، در واقع در داخل دریایی از بسته‌های داده گردش و برخی از این بسته‌ها را باز و نگاه می‌کنیم.

با یک تعبیر کاملاً استعاره‌ای، هندسه یا حداقل جغرافیای این فضا را می‌توان در شبکه پیوندها و ارجاع‌های ابرمتن^۱ یافت که می‌تواند به عنوان شکل کلی برای یک مجموعه از داده‌های بهم‌متصل دیده شود. محل اتصال در یک ابرمتن می‌تواند بسته به تعداد پیوندها، نزدیک یا دور باشد یا یکی می‌تواند حاجب دسترسی به دیگری باشد و یا باید از یکی گذشت تا به دیگری رسید. بی‌کرانگی فضای واقعی در این فضا نیز قابل لمس است، اگرچه واقعاً بی‌کران نباشد. همچنین، فاصله و حرکت در این فضا، آنگونه که فاصله بین دو نقطه نسبت به محل حرکت محاسبه می‌شود، معنا ندارد. چالش کنونی محققان، ترکیب جغرافیای سه‌بعدی در این فضای مجازی است.

هم‌اکنون فضای سایر مترادف شبکه جهانی وب^۲ یا اینترنت در کلیت آن، از جمله تلفن، تلویزیون و سایر شبکه‌های ارتباطات شناخته می‌شود، اما هیچیک از این کارکردها به تنهایی تمامی جنبه‌های فضای سایبر را دربر نمی‌گیرند.

بند دوم: مبانی نظری حق بر حریم خصوصی

اول: مبانی نظری حریم خصوصی در نظام لیبرالیسم

همانگونه که اشاره شد، مبانی نظری حریم خصوصی در فضای سایبر، از مبانی نظری حریم خصوصی مستقل نیست و ابتدا لازم است مبانی نظری حریم خصوصی مطالعه و سپس بررسی شود آیا حریم خصوصی در ورود به فضای سایبر تغییر ماهیت می‌دهد یا خیر. سؤال این است که اگر حریم خصوصی حق انسان است، مبنای این حق چیست و چرا باید آن را محترم بدانیم و از مداخله در آن بپرهیزیم. استدلال مخالفان حریم خصوصی این است که با بررسی تبارشناسی انسان ما به جنبه‌ای بنیادین از اوضاع و احوال انسان دست پیدا نمی‌کنیم که بر اساس آن حق بر حریم خصوصی را پایه‌گذاری کنیم. بنابراین، لیبرال‌ها که در مباحث سیاسی خود همواره از تمایز خصوصی و عمومی سخن می‌گویند، نمی‌توانند یک تمایز اصولی بین این دو ترسیم کنند. به عبارت دیگر، آنها می‌گویند کدام جنبه از شرایط زندگی انسانی است که مستلزم حق بر حریم خصوصی است. برای مثال، دیوجان دانشمند یونانی فکر می‌کرد که بهترین زندگی، یک زندگی خودکفاست و لازمه زندگی خودکفا، نقض خودسرانه قراردادهای اجتماعی است، بطوری که او این قاعده اجتماعی را

1. Hyper Text
2. World Wide Web (WWW)

که خودارضاى جنسى امرى است شخصى و فقط در جائي بايد انجام شود که مورد مشاهده ديگران قرار نگيرد، رد مى‌کرد. جالب اينکه اکنون در فضاى سايبير بسيارى نيز همين قاعده را رد مى‌کنند.

در اين ارتباط، دو ايراد هستى‌شناسانه و روش‌شناسانه قابل طرح است. ايراد هستى‌شناسانه اين است که تمايز بين حوزه عمومى و خصوصى در ارتباط با طبيعت انساني، مانند صيانت از نفس در يك واقعيت اساسى ريشه ندارد و بنا بر اين، مبنايى براى ترسيم يك اصل کلى بين اين دو وجود ندارد. ايراد روش‌شناسانه که از ايراد هستى‌شناسانه نشأت مى‌گيرد، اين است که اگر در جواب سؤال چرا نبايد در حريم خصوصى افراد دخالت کنيم؟ بگوئيم چون خصوصى است، مرتکب اشتباه شده‌ايم. به ويژه آنکه اين پاسخ را پايان بحث بدانيم.^۱ سؤال اين است که آيا يك اصل کلى جهان‌شمول خدشه‌ناپذير وجود دارد که بر اساس آن امور به عمومى و خصوصى تقسيم و از مداخله در امور خصوصى خوددارى شود؟ پاسخ مخالفان منفي است. تمايز عمومى و خصوصى از تصميمات سياسى ما ريشه مى‌گيرد و مبنايى هستى‌شناسانه براى يك تمايز قطعى وجود ندارد. مخالفان وجود چنين مبنايى، با يك رويکرد تبارشناسانه مى‌گويند گذشته زنده است و بخش مؤثرى از واقعيت حاضر را تشكيل مى‌دهد و مختومه و مرده نيست و تاريخ يك سلسله از نقل و انتقالات «سابق» است که به سادگى زدوده و کاملاً پاک نمى‌شود، بلکه در يك شکل تغيير يافته حفظ مى‌شود.

نهادها و اعمال، در طى زمان توسعه و تغيير يافته و هر نسل ادارکات و اعمالى را که از قبل در کارخانه اجتماعى ساخته شده‌اند، به ارث مى‌برد و متناسب با نيازهاى خود تغيير مى‌دهد و به منظور فهم نهاد خاصى مثل حوزه عمومى و خصوصى، درک تبارشناسى لازم است، زيرا آشکار مى‌سازد که پديده مورد بحث يك ريشه صرفاً تاريخى ندارد، بلکه مفاهيم و توجيهات متفاوتى در مکان‌ها و زمان‌هاى متفاوت وجود دارند که همه آنها در شرايط معاصر براى ايجاد نهادها و اعمالى که ما داريم، جمع مى‌شوند. به عبارت ديگر، هر پديده انساني که در طول تاريخ موفق به حفظ خود تا زمان حال شده است، پديده مرکبى است که اجزاي آن از دوره‌هاى گوناگون نشأت گرفته‌اند و دلایل هر يك از اجزا، متناسب با شرايط متفاوت بوده و به مشکلات متفاوت انسان در شرايط تاريخى و اجتماعى متفاوت پاسخ مى‌داده است. لذا امکان ترسيم هيچگونه تمايز اصولى بين توابع حوزه عمومى با

1. Raymond Geuss, "Private Goods, Public Goods", Princeton, N.J. Princeton University Press, 2003, P. 77.

توابع حوزه خصوصی وجود ندارد.

مفهوم معاصر تمایز حوزه عمومی از خصوصی، یک ترکیب از چند مفهوم متمایز است که ریشه‌ای تاریخی و مفهومی متفاوت دارد و جوابگوی مشکلات متفاوت انسانی است که در شرایط تاریخی و اجتماعی متفاوت بروز کرده‌اند.

تصور کلی ما از تمایز عمومی و خصوصی، ترکیب پیچیده‌ای است از: عمومی به عنوان فضائی که در آنجا اصل عدم توجه جاری است؛ یعنی هرکس در آن وارد می‌شود و بدون توجه به دیگران به دنبال کار خود می‌رود.

عمومی به عنوان منافع عمومی در مقابل منافع افراد.

عمومی به عنوان اطلاعاتی در مورد فرد که بطور معرف‌شناختی برای هرکس در دسترس است، در مقابل اطلاعاتی که فقط برای خود فرد در دسترس است.^۱

همه اینها را نمی‌توان بر روی یک اصل ساده بنا نهاد. بنابراین، با توجه به فقدان اصولی چنین تمایزی، ترسیم مرز حریم خصوصی نیز ممکن نخواهد بود. تعیین دقیق زمانی که اولین بار حق بر حریم خصوصی مطرح شد ممکن نیست و در یک مقاله توسط ساموئل وارن و لوئیس براندیس در سال ۱۸۹۰ برجسته گشت.

همسر وارن، یک زن اجتماعی پولدار و شدیداً مخالف بود که روزنامه‌ها گزارش‌هایی از مهمانی‌های مجلل او منتشر کنند. لذا شوهرش یافتن دلایلی را برای اعمال محدودیت‌هایی بر این گزارش‌ها آغاز کرد. لذا ریشه تاریخی این حق هیچ یک از نیازهای اساسی انسان را پاسخگو نیست و دلایل نظری هم نمی‌توان ارائه کرد. بنابراین، برای لیبرال‌ها مشروع نیست که در مباحث عمومی نظیر «قانون وطن‌پرستی»^۲ ایالات متحده آمریکا به حق بر حریم خصوصی متوسل شوند.

مخالفان نظر فوق و به عبارتی موافقان حق بر حریم خصوصی می‌گویند مرحله نهائی استدلال فوق غیرمنطقی است، زیرا اینکه نمی‌توان یک تمایز کلی بین عمومی و خصوصی ترسیم کرد، دلیل نمی‌شود نتوان آنچه با توسل به این حق حمایت می‌شود یا نمی‌شود را تعیین کرد.

1. Ibid, pp, 52-53.

۲. Patriot Act, 2001 این قانون شش ماکالمات تلفنی شهروندان ایالات متحده را در مواردی مجاز می‌شمارد.

در جواب به این سؤال که آیا حق بر حریم خصوصی می‌تواند بر یک جنبهٔ اساسی از شرایط انسانی استوار گردد، سه پاسخ ارائه شده است:

حق بر حریم خصوصی در نیاز بشر به روابط شخصی نهفته است.

حریم خصوصی بر مفهوم تصمیم‌گیری اخلاقی خودمختار متعلق به کانت استوار است.

حریم خصوصی پیش‌شرط شخصیت انسان است.

در رد استدلال مخالفان حریم خصوصی، می‌توان گفت با این روش امری اساسی برای حیات بشر حفاظت می‌شود که دو جنبه دارد:

حمایت از «انتخاب افراد» به داشتن برخی اطلاعات راجع به خودشان که در دسترس دیگران نباشد.

حمایت از افراد در برابر مداخلهٔ دیگران.

اگر بتوان چنین استدلالی را ارائه داد، می‌توان آن را مبنایی برای ادعای لیبرال‌ها در نظر گرفت که دولت باید حق بر حریم خصوصی را به رسمیت شناسد.

چنانکه ذکر شد، مخالفان می‌گویند ترسیم یک اصل باید بر جنبه‌هایی اساسی از طبیعت انسانی استوار باشد، جنبه‌هایی مثل محدودیت انسان، صیانت از نفس، خودپسندی و غیره.

اگرچه یافتن یک وجه مشترک در بین جنبه‌های گوناگون زندگی انسان مشکل است، ولی ضروری است حق بر حریم خصوصی بر اصل جهان‌شمولی استوار باشد. در ادامه، هر یک از پاسخ‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. حق بر حریم خصوصی در نیاز بشر بر روابط شخصی نهفته است

بر اساس این نظریه که به جیمز راشل^۱ تعلق دارد، حریم خصوصی به این دلیل مهم است که شرط لازم برای شکل دادن به انواع روابط اجتماعی به شمار می‌آید. این روابط، بخشی از سعادت زندگی بشری را رقم می‌زنند. انواع روابط مردم با یکدیگر، به نوع و میزان دانشی بستگی دارد که آنها از یکدیگر دارند و این میزان دانش در انواع روابط متفاوت است. برای مثال، آنچه رابطهٔ دوستی را از رابطهٔ عشقی متمایز می‌کند، متضمن حدی از محرّمیت است، اما محرّمیت، پیش‌فرض حریم خصوصی است، تا جائی که می‌گوئیم من دارای روابط محرمانهٔ بیشتری با «الف» هستم تا با «ب»؛ به این معنی که من به «الف» اجازهٔ دسترسی بیشتری به اطلاعات مربوط به خودم می‌دهم که در مقابل می‌تواند تأثیر و نفوذ

بیشتری از آنچه به «ب» اجازه می‌دهم، بر شخصیت من داشته باشد. لذا اگر ما بر این جنبه از زندگی خود کنترل نداشته باشیم، نمی‌توانیم روابط خصوصی‌مان را به انتخاب خودمان شکل دهیم.^۱

استدلال راشل این است که داشتن روابط شخصی، مبنایی برای خیر بشر است و اشخاص نمی‌توانند از این خیر بهره‌مند شوند، مگر اینکه بر جریان اطلاعات از سوی خودشان به دیگران کنترل داشته باشند. لذا ما برای شناسائی حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی اخلاقی به یک مبنا نیاز داریم و از آنجا که نقش دولت حفاظت از حقوق اساسی اخلاقی است، باید حق بر حریم خصوصی را به رسمیت بشناسد.

به نظر می‌رسد این استدلال حریم خصوصی را در جایگاه نادرستی قرار داده است، زیرا برای مثال یک زاهد گوشه‌نشین یا کسی که علاقه‌ای به برقراری روابط عاطفی با دیگران ندارد، آیا لازم نیست که بر اطلاعات خود کنترل داشته و از همان حق برخوردار باشد. همچنین، این استدلال علاقه برخی مردم را نادیده می‌گیرد که می‌خواهند تا اندازه‌ای حتی در حوزه روابط خیلی محرمانه خود نیز از خلوت برخوردار باشند. این موضعی است که فمینیست‌های منتقد بر حق بر حریم خصوصی لیبرال اتخاذ می‌کنند، زیرا در طول تاریخ مردان بدون ترس از مجازات قانونی، زنان را مورد سوءاستفاده فیزیکی و جنسی قرار داده‌اند. قانون نیز با روابط زناشویی به عنوان امری خصوصی برخورد می‌کند و در آن مداخله نمی‌کند. بنابراین، آیا در داخل یک روابط محرمانه نباید حق بر حریم خصوصی وجود داشته باشد تا هر یک از دو طرف بتوانند بطور مشروع به آن متوسل شوند و از این طریق بتوان از زنان حمایت کرد؟

در این ارتباط، نقش دولت نیز مطرح می‌شود که آیا دلیلی برای حمایت دولت از این حق که مبتنی بر خیری است که از داشتن روابط شخصی ناشی می‌شود، وجود دارد؟ در این رابطه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از نظر لیبرترین‌ها، نقش دولت تدرک وسیله شکوفائی افراد از جمله حمایت از ایجاد و داشتن روابط محرمانه و دوستانه نیست، بلکه صرفاً حمایت و حفاظت از حقوق طبیعی افراد است. حتی اگر بپذیریم که داشتن روابط فردی، بطور جهان‌شمول بخشی از زندگی سعادت‌مند است و حریم خصوصی پیش‌نیاز چنین روابطی است، روشن نیست که لازم است این امر حق سیاسی مردم را بر حریم

1. Essays in Philosophy, "Liberalism and the Public/Private Distinction", A Biannual Journal, Vol. 7, No. 1, January 2006, www.humboldt.edu/~essays/shaefferrev2.html

خصوصی به دنبال داشته باشد یا خیر. مگر اینکه فرض کنیم دولت باید در ارتقای زندگی سعادت‌مند برای افراد نقش داشته باشد.

۲. حریم خصوصی بر مفهوم تصمیم‌گیری اخلاقی خودمختار متعلق به کانت استوار است

مارک آلفینو و راندلف مایس^۱ کوشیده‌اند تا برای حق بر حریم خصوصی توجیه اخلاقی ارائه کنند و آن را به عنوان حق اساسی اخلاقی، لازمه شخصیت انسان بدانند. از نظر آلفینو و علمای اخلاق نظیر کانت، لازمه عمل اخلاقی، توانایی تصمیم‌گیری خودمختار است و حقوق سیاسی فقط فضای حمایتی ایجاد می‌کند که در آن افراد بتوانند تصمیمات خودمختار اتخاذ کنند. این امر شرط لازم برای عمل اخلاقی و شخصیت انسان است.^۲

منتقدان به این دیدگاه می‌گویند اگر حق بر حریم خصوصی فقط برای حمایت افراد از مداخله ناموجه دیگران مهم است تا تصمیم‌گیری خودمختارشان لطمه نبیند، پس نمی‌توان هیچگونه مبنایی را بر حق سیاسی حریم خصوصی، فراتر از حق فارغ بودن از مداخله دیگران در یک تصمیم‌گیری خودمختار در نظر گرفت. نظر آلفینو آشکارا به این امر منجر می‌شود که جاسوسی مخفیانه از یک شخص حتی در مواقعی که به امور کاملاً شخصی خود می‌پردازد، نقض حریم خصوصی تلقی نمی‌شود، زیرا در آن لحظه خللی بر تصمیم‌گیری خودمختار وی وارد نمی‌کند. همچنین نگاه پنهانی به یک شخص برهنه در حمام یا در حین خودارضایی جنسی حریم خصوصی او را نقض نمی‌کند. ولی از سوی دیگر، شخصی که در پیاده‌رو در حال حرکت است و نمی‌خواهد دیگران او را تعقیب کنند، اگر کسی وی را تعقیب کند و او هم متوجه این تعقیب باشد، تصمیم‌گیری خودمختار او لطمه خواهد دید و مجبور خواهد بود رفتار خود را تغییر دهد و این اجبار در تغییر رفتار، با صدور عمل اخلاقی مغایرت دارد و در نتیجه حریم خصوصی او نقض شده است. لذا نتایج ناشی از دیدگاه آلفینو اگر نامعقول نباشد، حداقل نامتناسب است.

به این ترتیب، اقدام دولت در توسل به قوانینی که اجازه شنود مکالمات تلفنی شهروندان را می‌دهد، قابل توجیه است، زیرا شهروندان نباید شنود دولت را نقض حریم

1. Mark Alfino & G. Randolph Mayes

2. G. Randolph Mayes and Mark Alfino, "Rationality and Right to Privacy", http://guweb2.gonzaga.edu/faculty/alfino/dossier/Papers/Rationality_and_the_Right_to_Privacy.doc. Also in: Social Theory and Practice, An International and Interdisciplinary Journal of Social Philosophy, Published by the Florida State University Department of Philosophy Four Times a Year, Vol. 29, no. 1 (January 2003).

خصوصی خود تلقی کنند، بلکه باید آن را راهی برای اطمینان از سلامتی خود در مقابل خطراتی نظیر تروریسم بدانند و نظر به واقعیت اجتماعی حاضر ما باید درک جدیدی از حریم خصوصی داشته باشیم و لازم نیست به حریم اطلاعاتی به عنوان حق اساسی بنگریم.

۳. حریم خصوصی پیش شرط شخصیت انسان است

جفری ریمون^۱ در جستجوی مبنایی برای حق بر حریم خصوصی می‌گوید «خودها» بطور اجتماعی ساخته شده‌اند و حریم خصوصی پیش شرطی برای وجود خودهای فردی است. به عبارت دیگر، عمل اجتماعی احترام به حریم خصوصی اشخاص برای ایجاد «خود» افراد ضروری است. برخی امور ظاهراً شخصی‌اند، نظیر افکار، اموال و بدن‌های ما و همچنین اطلاعات مربوط به بدن و سوابق ما، روابط ویژه ما با دیگران و اینها همه وسایلی هستند برای ساخت فضای اجتماعی و فیزیکی که در داخل آن «خود» فرد می‌تواند وجود داشته باشد و امور یاد شده مانع از جمع شدن تمامی «خودها» در یک «خود» می‌شود و این در رد نظر گوس است که می‌گوید هیچ مبنایی که بر شرایط اساسی زندگی انسانی استوار باشد، برای حق بر حریم خصوصی وجود ندارد.^۲

همچنین، اروین گافمن در اثر خود به نام «نهادی کلی» می‌گوید «شرمندگی خود» یک عنصر مهم است که می‌تواند حتی به از بین بردن «خود» منجر شود و این امر با نقض حریم خصوصی اتفاق می‌افتد و لذا در مواردی حتی از صیانت نفس نیز در مقام بالاتری قرار می‌گیرد.

همچنین، اگر در گروهی، افراد پیوسته در معرض نگاه دیگران باشند و تصمیم‌گیری آنان نیز متأثر از مداخله دیگران در گروه باشد، خودهای فردی به نفع یک خود جمعی تحلیل خواهند رفت که این یک روش شناخته‌شده برخی فرقه‌های مذهبی است که بعد از تغییر عقیده فرد، امکان دوری از گروه را به او نمی‌دهند.

به نظر می‌رسد نظریه ریمون موارد مثبت هر دو نظریه قبلی را دارد. دنیایی که در آن هرکس بتواند نظاره‌گر فرد حتی در زمانی باشد که نمی‌خواهد در معرض نظاره دیگران باشد، دنیایی است که شرایط لازم برای شخصیت را فراهم نمی‌کند و شخصیت یک جنبه اساسی و جهان‌شمول از زندگی انسانی است. البته این امر به ما در تمایز آنچه باید با توسل

1. Jeffrey Reiman

2. Reiman Jeffrey, "Critical Moral Liberalism: Theory and Practice", Lanham, Md. Rowman & Littlefield Publishers, c1997, pp. 151-168.

به حق بر حریم خصوصی حمایت کنیم کمک چندانی نمی‌کند. برای مثال، زمانی که شخص بر بدن خود کنترل ندارد، شخصیت او لطمه می‌بیند، ولی اینکه تا چه اندازه و بر کدام بخش از بدن خود لازم است کنترل داشته باشد، مشخص نیست که البته بسته به شرایط متفاوت است و اصل حق سیاسی حریم خصوصی را خدشه‌دار نمی‌کند. موجودیت «خودها» به دارا بودن محدوده‌ای از حق بر حریم خصوصی وابسته‌اند. اما اینکه چه چیز خاصی حق بر حریم خصوصی فرد را تشکیل می‌دهد، همچنان به صورت یک سؤال باقی می‌ماند. برای مثال، فیلم یک مجلس عروسی در جامعه ایران می‌تواند در این محدوده قرار گیرد، در حالی که نسبت به همین فیلم در مناطقی از اروپا چنین تلقی وجود ندارد.

دوم: مبانی حق بر حریم خصوصی در اسلام

اگرچه تعبیر «حریم خصوصی» صراحتاً در آیات و روایات اسلامی نیامده است، اما از مضمون آن در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگری مثل حق مالکیت، آزادی از تجسس و غیر قابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت، حمایت شده است. تحقیق در منابع حقوق اسلامی نشان می‌دهد که قدمت حمایت آن از حریم خصوصی از سایر نظام‌های حقوقی بیشتر است. حریم خصوصی منازل، ارتباطات، امور خصوصی و افکار و عقاید شخصی مورد تأکید اسلام قرار گرفته است، در حالی که نخستین جرقه‌های حمایت جدی از حق بر حریم خصوصی در غرب به قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی برمی‌گردد.

۱. ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش در اسلام

تجسس عبارت است از احوال‌پرسی، اعم از اینکه از امور خیر اشخاص پرسیده شود یا امور شر آنان. لیکن اگر احوال‌پرسی از امور پنهانی اشخاص یا امور شر یا غیرپنهانی، ولی برای مقاصد شر یا از امور خیر، ولی برای مقاصد شر صورت گیرد، می‌تواند مصداق تجسس قرار گیرد. بنابراین، برای تعریف تجسس باید از دو ضابطه نوعی^۱ و شخصی^۲ کمک گرفت:

تلاش برای آگاهی از امور پنهانی یا از امور شر و عیوب اشخاص با هر انگیزه عرفاً تجسس به شمار می‌رود. پرس و جو از امور ظاهری یا امور خیر دیگران با انگیزه و مقاصد شر تجسس به شمار

می‌رود، اما با انگیزه و مقاصد خیر، تجسس است.

در ممنوعیت تجسس در امور دیگران، قرآن کریم در آیه (۱۲) سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا... یعنی ای اهل ایمان، از بسیار پندارها (و گمان بد) در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها (باطل و بی‌حقیقت و) معصیت است، و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید (و جاسوس بر احوال خلق مگمارید) و...».

همچنین از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «ایاکم و ظن فإن الظن اکذب الحدیث و لاتجسسوا و لاتباغضوا و کونوا إخواناً».^۱ «من أكل بعلمٍ أكله فإن بطمعه مثلها من جهنم و من کسى ثوباً برجل مسلم فإن... یکسوه من جهنم و من قام برجل مسلم مقام ایاء و سمعه فإن... یقوم ایاء و سمعه یوم القیامه».^۲ «یا مشعر من آمن بلسانه و لم یدخل الإیمان قبله، لاتغتابوا المسلمین و لاتتبعوا عوراتهم فإنه من اتبع عوراتهم يتبع... عورته و من يتبع... عورته یفضحه و (ولو) فی بیتته».^۳ «من حمى مؤمناً من منافق بعث... ملکا یحمی لحمه یوم القیامه من نار جهنم، و من رمى مسلماً بشيء یرید شنیه به حَسبه... علی جسر جهنم حتی یرج ما قال».^۴ «إنی لم أوامر أن انقب عن قلوب الناس و لا أشق بطونهم».^۵ «من رأى عوره فسترها کمن أحمیا موده».^۶

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که: «لا تفتش عن أديانهم فتبقي بلاصديق».^۷ «الجمیل فی ثلاث: فی تبدیل الاخوان و المنبأ به غیر بیان و التجسس عما لا یعنی».^۸ همچنین حضرت علی علیه‌السلام در نامه خود به مالک اشتر در زمانی که وی را به عنوان فرماندار مصر انتخاب کردند، او را از تجسس در احوال مردم منع و به پوشانیدن عیوب مردم و دوری جستن از کسانی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند، توصیه فرمودند.^۹

۱. ابوبصیر، ۲۰۰۱، صص ۲۰ و ۳.

۲. همان

۳. همان

۴. همان

۵. الری شهری، ۱۳۷۵ هـ.ش، ج ۱، ص ۳۹۱.

۶. السجستانی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ج ۲، ص ۴۵۴.

۷. الری شهری، همان، ص ۳۹۲.

۸. السید الخرازی، ۱۳۸۰، ص ۶.

۹. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشهور، ۱۳۸۰، نامه ۵۳، ص ۵۶۹.

تأمل در مجموع آیات و روایات فوق نشان می‌دهد که برخی از امور افراد به طور مطلق مصون از تجسس دیگرانند و تجسس در برخی امور دیگر بنا به علل خاصی تحریم شده است.

۲. ممنوعیت سوء ظن

سوء ظن در قرآن و سنت به عنوان منشأ و ریشه اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران معرفی شده و لذا لازم است مردم از آن پرهیزند.^۱ در این ارتباط می‌توان به آیه (۱۲) سوره مبارکه حجرات اشاره کرد که مؤمنان را به اجتناب از ظن فرامی‌خواند. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «ایاکم و الظن فإن الظن اکذب الحدیث و لاتحسبو و لاتجسسوا».^۲ «ان ... تعالی تحرم من المسلم دمه و ماله و ان یظن به ظن السوء».^۳ از امام علی علیه‌السلام نقل شده است: «ضع أمر أخیک علی أحسنه حتی یأتیک ما یغلبک منه، و لاتظنن بکلمه خرجت من أخیک سوءاً و أنت تجدلکها فی الخیر مهملاً».^۴ از امام صادق (ع) نقل شده است: «المؤمن أصدق علی نفسه من سبعین مؤمناً علیه».^۵ از امام کاظم (ع) نیز تعبیر مشابهی روایت شده است که فرموده‌اند: «إذا کان الجور أغلب من الحق، لم یحل لأخذ أن یظن بأحد خیراً حتی یعرف ذلک منه».^۶ از امام محمد غزالی نیز منقول است که «سوء ظن از فتنه‌های شیطان در حق مسلمین است». فقهای اسلام با توجه به آیات و روایات مذکور، «اصل صحت فعل مسلم» را استنباط کرده و به عنوان یکی از قواعد فقهی رسمیت بخشیده‌اند.

۳. ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

در آیات قرآن کریم و سنت اسلامی، ورود به منازل اشخاص، منوط به استیناس و استیذان است. استیناس به معنی معرفی خود قبل از ورود است تا صاحب منزل در صورت تمایل در را بگشاید. استیذان نیز سبک اجازه صاحب منزل قبل از ورود است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تسألنوا و تسلموا

۱. انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق

و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۶۶.

۲. الری شهری، ۱۳۷۵ هـ ش ج ۱، ص ۳۹۱.

۳. المجلسی، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۷۲، ص ۲۰۱.

۴. همان

۵. النمازی، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۷، ص ۴۱.

علی أهلها» و در جای دیگر می‌فرماید «و أتوا البيوت من ابوابها»، یعنی به منازل مردم تنها از در آن وارد شوید.

در کتب شیعه و اهل سنت نقل شده است که شبی عمر (خلیفه دوم) مشغول گشت‌زنی در شهر بود. از خانه‌ای صدای آواز و طرب شنید و حدس زد که عمل حرامی در حال انجام است. برای تحقیق بیشتر راجع به حدس خود از دیوار منزلی که صدای غنا از آن می‌آمد بالا رفت و صاحب منزل را صدا زد و خطاب به وی گفت، ای دشمن خدا گمان کردم که خداوند بر تو لباس شرم و حیا پوشانده است، در حالی که معصیت خدا می‌کنی؟ مرد در پاسخ گفت، ای خلیفه زیاد تند نرو، اگر من یک معصیت کرده‌ام، تو سه معصیت مرتکب شده‌ای. خداوند فرموده است تجسس نکنید و تو تجسس کردی. فرموده است به خانه‌های مردم از در وارد شوید و تو از دیوار بالا آمدی و فرموده است بدون استیناس و اذن وارد نشوید، ولی تو بدون استیناس و اذن وارد منزل من شدی، خلیفه گفت آیا اگر طلب بخشش کنم مرا می‌بخشی؟ صاحب خانه گفت آری و خلیفه از منزل خارج شد و رفت.^۱

۴. ممنوعیت استراق سمع و بصر

استراق سمع نیز در سنت اسلامی ممنوع است، به طوری که پیامبر اسلام فرمودند: «هرکس به مکالمات دیگران در حالی که آنها مایل نیستند گوش فرا دهد، در روز قیامت به گوش وی سرب گداخته ریخته می‌شود».^۲

همچنین هتک ستر و نگاه کردن به آنچه که نوعاً یا شخصاً در قلمرو حریم خصوصی قرار می‌گیرد ممنوع است. در این خصوص نقل شده: «من رأی عوره فسترها کمن أحمیا موده».^۳

بند سوم: ماهیت حق بر حریم خصوصی

در تعریف کلی، هنگامی که از حق داشتن سخن می‌گوئیم، به این معنی است که دارنده حق در وضعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. مفهوم «حق داشتن» در روابط مختلف و یا به عبارت دیگر در گزاره‌های مختلف حق‌مدار معانی متفاوتی دارد. از نظر هوفیلد واژه «حق» می‌تواند چهار نوع رابطه حقوقی را دربرگیرد: مطالبه، آزادی، اختیار و مصونیت.^۴

۱. الری شهری، ۱۳۷۵ ه.ش، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲. ابوبصیر، ۲۰۰۰، ص ۳.

۳. السجستانی، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۲، ص ۴۵۴.

۴. سید فاطمی، محمد، «حقوق بشر در جهان معاصر»، دفتر اول، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، ص ۲۰.

در «حق - مطالبه»، در واقع حق به معنای مضیق آن است و ماهیت آن مطالبه است. این حق ادعای بر غیر است و در پیوند و هماهنگی با یک وظیفه متقابل است، یعنی لازمه حقوق مطالبه‌ای، وجود وظیفه‌ای در طرف مقابل است. برای مثال، بدهکار در مقابل ادعای طلبکار، وظیفه پرداخت مبلغ معین را دارد.

در «حق - آزادی» یا «حق - امتیاز»، نظام حقوقی به افراد امتیاز یا آزادی خاصی می‌دهد و فرد را از تعهد خاصی که بالقوه می‌تواند متوجه وی باشد معاف می‌کند و این امر به معنای ذی‌حق دانستن اوست. نقیض آن وظیفه است. فردی که حق دارد، یعنی وظیفه ندارد و لازمه این حق، حق نداشتن طرف دیگر است.

در «حق - اختیار»، ممکن است اعمال این حق حقوق دیگران را نیز تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، حق فرد بر توزیع اموالش به وصیت از این نوع است. نقیض حق - اختیار، ناتوانی ذی‌حق نسبت به آن است. لازمه این حق، مسئولیت حقوقی دیگری در برابر حق است. بنابراین، زمانی کسی حق - اختیار دارد که اولاً می‌تواند موضوع آن حق را اعمال کند، ثانیاً ممکن است حق دیگری متأثر از اعمال حق او باشد.

در «حق - مصونیت»، از ذی‌حق در برابر اعمال دیگران حمایت می‌شود. نقیض حق - مصونیت، مسئولیت ذی‌حق و لازمه آن ناتوانی دیگری در برابر اعمال حق است. بنابراین، زمانی که کسی حق مصونیت دارد، یعنی اولاً مسئولیت ندارد، ثانیاً دیگری نمی‌تواند معترض این اعمال حق شود.

حال باید دید حق بر حریم خصوصی در کدام یک از این چهار دسته جای می‌گیرد. حق بر حریم خصوصی، از نوع «حق - مصونیت» است، زیرا لازمه آن ناتوانی دیگری از مداخله در امور فرد است و فرد در برابر اعمال دیگران مورد حمایت قرار می‌گیرد و «دیگران»، از حیث عدم مداخله می‌توانند افراد، گروه‌ها یا دولت باشند، ولی از این نظر که حق بر حریم خصوصی در زمره حقوق بشر است و دولت متعهد به تضمین این حقوق برای افراد است، در رابطه بین دولت و فرد، «حق - مطالبه» محسوب می‌شود.

سپس باید ماهیت این تکلیف مشخص شود. آیا از نوع تعهد به فعل است یا از نوع تعهد به نتیجه. در تعهد به فعل در رابطه با حقوق بشر، دولت در حد امکانات موجود و توان خود متعهد به تدارک اسباب استیفای حق ذی‌حق خواهد بود. اما در تعهد به نتیجه، تدارک امکانات شرط نیست و باید آنچه مدنظر است محقق شود.

با توجه به اینکه حق بر حریم خصوصی از حقوق منفی محسوب می‌شود، یعنی برای برخورداری از آن فقط لازم است دولت یا سایر افراد مداخله نکنند، نیاز چندانی به اقدام مثبت و تدارک امکانات نیست، لذا تعهد دولت منحصر به نتیجه خواهد بود.

در ارتباط با محتوای حق بر حریم خصوصی، با توجه به اینکه از آن به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر یاد می‌شود، بررسی محتوای حق‌ها مفید به نظر می‌رسد. امروزه نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر مطرح شده‌اند، اگرچه بر غیرقابل تجزیه و بهم‌پیوسته بودن آنها نیز تأکید می‌شود.

نسل اول حقوق بشر، حقوق و آزادی‌های سیاسی - مدنی است. نسل دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نسل سوم ماهیتی مجتمع دارد و به حق‌هایی چون حق بر محیط زیست سالم و حق بر صلح اطلاق می‌شوند. از حق‌های نسل اول که حق بر حریم خصوصی نیز از آن جمله محسوب می‌شود، به عنوان «حقوق منفی» یاد می‌شود و حق‌های نسل دوم را «حقوق مثبت» می‌نامند. مبنای چنین تفکیکی این است که حق‌های دسته اول با خودداری از انجام عملی محقق خواهند شد. لازمه «حق - مطالبه» ادعاهای منفی، تکلیف و تعهد به ترک فعل خواهد بود. البته این بدان معنی نیست که در تضمین حمایتی آنها نیاز به اقدام مثبت نباشد، بلکه اگرچه عمده نقض احتمالی حریم خصوصی با مداخله دولت و افراد صورت می‌گیرد و لازمه این حق محدود کردن قدرت مداخله ناموجه دولت و افراد است، لیکن باید توجه داشت که بدون وجود سیستم حمایتی نهادینه شده، تحقق حق بر حریم خصوصی نیز عملی نخواهد بود و تضمین آن مستلزم مداخله ایجابی دولت است؛ یعنی دولت در ارتباط با حق بر حریم خصوصی متعهد است اولاً خود این حق را محترم شمارد و در حریم خصوصی افراد دخالت نکند، ثانیاً با اقدامات حمایتی خود زمینه‌های نقض این حق توسط افراد و گروه‌های دیگر را از میان بردارد.

بند چهارم: مصادیق حق بر حریم خصوصی

اول: در فضای معمولی

حریم خصوصی را در فضای معمولی به چند دسته تقسیم می‌کنند که عبارتند از: حریم خصوصی ارضی، جسمانی، اطلاعاتی، ارتباطاتی و حریم خصوصی در فضای عمومی.

۱. حریم خصوصی ارضی

حریم خصوصی ارضی به منازل و اماکن خصوصی افراد توجه دارد. خانه و مسکن هر فرد

مصون از تعرض است و حتی در مورد کسانی که مظنون به ارتکاب جرم هستند نیز تفحص و جستجو‌هایی که متکی به دلیل نباشد، در منازل آنان مجاز نیست، زیرا اینگونه اقدامات، آزادی افراد در مسکن و زندگی خصوصی‌شان را سلب می‌کند. ضرب‌المثل معروفی در زبان فارسی وجود دارد که می‌گوید «چهار دیواری اختیاری». نظر به اینکه برشمردن مصادیق حریم خصوصی از جامعه‌ای تا جامعه‌ای دیگر ممکن است متفاوت باشد و فرهنگ در آن دخالت بسیار دارد، لذا معلوم می‌شود که حریم خصوصی ارضی در فرهنگ ایران اهمیت زیادی دارد.

حریم خصوصی ارضی از چند نظر می‌تواند مهم باشد و دیگران نباید وارد آن شوند یا به نحوی بر آن اشراف داشته باشند. فردی که بدون اجازه وارد مسکن دیگری می‌شود، صرف ورود بدون هیچ اقدام دیگری می‌تواند پیامدهایی داشته باشد. اولاً با نگاه به اوضاع مسکن و داخل خانه، حتی اگر کسی در آن نباشد، اطلاعاتی بدست می‌آورد که شیوه زندگی و علایق صاحب آن را نشان می‌دهد و ممکن است او نخواهد دیگری از آن مطلع شود. ثانیاً ممکن است در حین ورود صاحب مسکن را در حالتی مشاهده کند که موجب شرم‌زدگی او شود، نظیر اعمال جنسی و از این قبیل. ثالثاً ممکن است بخواهد مدتی در تنهائی بسر برد و با خود خلوت کند و نمی‌خواهد دیگری مزاحمش شود.

۲. حریم خصوصی جسمانی

حریم خصوصی جسمانی، حق اشخاص در مصونیت از تعرض به تمامیت جسمانی ایشان، از جمله جنبه‌های مرتبط با سلامت جسمی و روحی و همچنین مشخصات و خصوصیات محرمانه بدنی آنهاست. خصوصیات بدنی با توجه به فرهنگ جامعه می‌تواند برای فرد اهمیت داشته باشد. برای مثال، ممکن است افشای عقیم بودن یک مرد موجب شرمندگی‌اش شود، در حالی که از نظر اخلاقی قابل سرزنش نیست، همچنین، انواع خصوصیات ژنتیکی و سایر نقایص که می‌تواند بر اشتغال و جنبه‌های متفاوت زندگی تأثیر بگذارد، در حالی که لزومی برای فاش شدن آنها وجود ندارد. در برخی کشورها، مانند ایالات متحده، مشخصات دی.ان.ای افراد ثبت می‌شود که بر اساس آن می‌توان به تمامی خصوصیات ژنتیکی فرد پی برد. مدافعان حق بر حریم خصوصی به شدت مخالف ثبت این مشخصات در بایگانی‌ها هستند.^۱

1. "Tow - Part Definition of Privacy", p. 7. <http://www.privacilla.org/government/governmentinfo.html>

۳. حریم خصوصی اطلاعاتی

عبارت است از حق افراد بر کنترل اطلاعات شخصی مربوط به خودشان تا بتوانند آنها را محرمانه نگه دارند و از تحصیل، پردازش و انتشار بدون اجازه آنها یا در موارد مصرح قانونی ممانعت کنند. این نوع حریم شامل اطلاعاتی می‌شود که از آنها به «اطلاعات شخصی حساس»^۱ یاد می‌شود. اطلاعات شخصی حساس نیز ممکن است با توجه به فرهنگ، از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت باشد، اما بطور کلی می‌توان اطلاعات مربوط به مذهب، نژاد، تمایلات سیاسی، خصوصیات جنسی، اطلاعات ژنتیکی و جسمی فرد و اطلاعات خانوادگی او را از جمله اطلاعات شخصی حساس دانست که باید از آنها حمایت شود. همچنین، اطلاعات راجع به درآمد، کارت‌های اعتباری و اطلاعات مربوط به مالیات پرداختی و حساب‌های بانکی و مبالغ آنها می‌تواند مشمول آن شود.^۲ تحصیل پردازش داده‌ها، هم در فضای معمولی و هم در فضای سایبر، تابع یک سری اصول است که عبارتند از: اصل گردآوری مشروع، اصل گردآوری مضیق و مرتبط، اصل اطلاع، اصل انتخاب، اصل امنیت، اصل شفافیت، اصل دسترسی، اصل صحت، اصل بکارگیری مرتبط، اصل عدم افشاء، اصل امحاء، اصل عدم انتقال و اصل رضایت.^۳

۴. حریم خصوصی ارتباطاتی

حریم خصوصی ارتباطاتی عبارت است از حق فرد در داشتن امنیت و محرمانه ماندن محتوای کلیه اشکال مراسلات و مخابرات متعلق به خودش. محرمانه ماندن محتوای مراسلات و مخابرات، در واقع متوجه همان اطلاعاتی است که در جریان ارتباط رد و بدل می‌شوند و از آنجا که معمولاً در جریان یک ارتباط مخابراتی، اطلاعات حساس و غیر حساس در جوار یا آمیخته با یکدیگر هستند، لذا لازم است کلیه اشکال آن از تعرض مصون باشند. مراسلات امروزی شامل بسته‌های پستی فیزیکی و الکترونیکی، و مخابرات شامل مکالمات تلفنی بی‌سیم و باسیم، و برخط^۴ در محیط‌های گپ شبکه‌ای با استفاده از صدا، تصویر، نوشتار و غیره می‌شود.

1. Sensitive Personal Information

2. Lee A Bygrave, "Data Protection Pursuant to the Right to Privacy in Human Rights Treaties", *International Journal of Law and Information Technology*, 1998, Vol 6.

۳. جهت مطالعه بیشتر ر.ک: اصلانی، حمیدرضا، «حقوق فناوری اطلاعات»، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴،

صص ۱۳۳ به بعد.

4. Online

۵. حریم خصوصی در فضای عمومی

از این نوع حریم خصوصی به عنوان گمنامی^۱ یاد می‌شود. اگرچه شخص در این حالت در فضای عمومی مثل خیابان قرار دارد، ولی دوست ندارد در حالی که از مغازه‌ها بازدید می‌کند، تحت تعقیب باشد یا زیر نظر قرار بگیرد. بدیهی است چنین تعقیبی می‌تواند موجب تغییر رفتار او شود و احساس آزادی نخواهد کرد. همچنین، در محل کار نیز باید تا حدی از حریم خصوصی برخوردار بود، بطوری که کار گذاشتن دوربین‌های مدار بسته برای زیر نظر گرفتن کارکنان ممنوع است و در موارد بسیار ضروری باید به آگاهی کارکنان رسیده و در جایی نصب شود که در منظر دید باشد.

دوم: مصادیق حریم خصوصی در فضای سایبر

با توجه به موارد فوق‌الذکر و از آنجا که امروزه بسیاری از فعالیت‌های انسانی از فضای معمولی به فضای سایبر منتقل شده است، حریم خصوصی نیز به همراه این فعالیت‌ها به این فضا راه پیدا کرده و حتی در مواردی اهمیت بیشتری از فضای فیزیکی نیز یافته است، زیرا حریم خصوصی در ارتباط با اطلاعات است و آنچه در فضای سایبر جریان دارد نیز «اطلاعات» است.

آنچه اهمیت حریم خصوصی را در فضای سایبر دو چندان می‌کند، امکانات عظیم آن در گردآوری، ذخیره، پردازش و انتشار اطلاعات است. لذا اگر مکانیسم‌های حمایتی مؤثری در این فضا و خارج از آن برای حمایت از حریم خصوصی ایجاد نشود، ممکن است دیگر چیزی با این عنوان بر جای نماند.

در بررسی مصادیق حریم خصوصی در فضای سایبر و نحوه نقض آنها، باید بین فضای سایبر به عنوان «ابزار نقض» حریم خصوصی و فضای سایبر به عنوان «موضوع» حریم خصوصی تفکیک قایل شد. ممکن است حریم خصوصی افراد در فضای واقعی با استفاده از فضای سایبر نقض شود، مثل اینکه یک هکر از طریق نفوذ، دوربین متصل به رایانه یک شخص را روشن می‌کند و می‌تواند منزل مسکونی شخص و خودش را ببیند. در این مورد، فضای سایبر ابزاری است برای نقض حریم خصوصی فرد. برای نقض مصادیقی از حریم خصوصی که بر روی فضای سایبر مستقرند نیز باید قابلیت‌های دیگری از آن بکار رود. برای مثال، اطلاعات شخصی یک فرد که در دفترچه‌ای ثبت و در قفسه کتابخانه است، به

صورت فایلی در رایانه متصل به شبکه نیز ذخیره شده است. در این صورت، نقض حریم خصوصی فرد، هم از طریق فضای واقعی و هم با استفاده از فضای سایبر امکان‌پذیر است. در این حالت، بخشی از فضای سایبر به عنوان ابزار نقض حریم خصوصی و بخشی دیگر موضوع نقض حریم خصوصی است.

۱. حریم خصوصی ارضی

این نوع حریم از مهمترین مصادیق حریم خصوصی در فضای واقعی است، ولی قابل انتقال به فضای سایبر نیست، مگر به صورت داده. برای مثال، منزل مسکونی یک فرد، حریم خصوصی ارضی وی محسوب می‌شود که ورود بدون اجازه و غیر قانونی به آن نقض حریم خصوصی او محسوب می‌شود. حال اگر فردی عکس‌های مربوط به خانه خود را در یک فایل رایانه‌ای در یک رایانه متصل به شبکه ذخیره یا با پست الکترونیکی ارسال کند، نفوذ به رایانه و دسترسی غیرمجاز به آن فایل یا رهگیری نامه الکترونیکی و دستیابی به اطلاعات مربوط به حریم خصوصی ارضی وی، نوعی نقض حریم خصوصی ارضی اش محسوب می‌شود. ولی چون آنچه ذخیره شده یا در جریان است، «داده» می‌باشد، لذا تحت شمول حریم خصوصی اطلاعاتی قرار می‌گیرد و نیازی به طرح حریم خصوصی ارضی در فضای سایبر نیست؛ اگرچه فایل ذخیره شده مکانی هرچند کوچک بر روی حافظه مغناطیسی یا هر نوع حافظه دیگر را به خود اختصاص می‌دهد و کسی که به طور غیرمجاز از محتوای فایل بازدید می‌کند، از طریق الکترون‌ها به آن مکان نفوذ کرده است.

شق دیگر آن نقض حریم خصوصی ارضی فرد در فضای واقعی از طریق فضای سایبر است. برای مثال، یک هکر می‌تواند با نفوذ، دوربین متصل به شبکه یک کاربر را بدون اجازه و به صورت مخفیانه روشن کند و بتواند محل زندگی و خود وی را در وضعیتی ببیند که حاضر نیست دیگران آن را رؤیت کنند. این اقدام مصداقی از نقض حریم خصوصی ارضی از طریق فضای سایبر است.

۲. حریم خصوصی جسمانی

همانطور که ذکر شد، حریم خصوصی جسمانی، حق اشخاص در حمایت و مصون از تعرض به تمامیت جسمانی و بدنی ایشان، از جمله جنبه مرتبط با سلامت جسمی و روحی و همچنین مشخصات و خصوصیات محرمانه بدنی آنهاست. این جنبه از حریم خصوصی قابلیت انتقال به فضای سایبر را ندارد، مگر به صورت داده‌هایی که وارد این فضا می‌شوند.

لذا در فضای سایبر به عنوان بخشی از حریم خصوصی اطلاعاتی فرد محسوب می‌شوند.

۳. حریم خصوصی اطلاعاتی

این نوع حریم عبارت است از حق افراد در محرمانه ماندن و ممانعت از تحصیل، ذخیره، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به ایشان. آنچه در فضای سایبر جریان یافته، یا ذخیره می‌شود یا انتشار می‌یابد، داده‌ها هستند، ولی همه داده‌های موجود در فضای سایبر، به حریم خصوصی افراد مربوط نمی‌شوند.

داده‌هایی که باید ذیل عنوان حریم خصوصی اطلاعاتی تحت حمایت قرار گیرند، «داده‌های شخصی»^۱ هستند که عبارتند از فهرستی از مشخصات و ممیزات و اطلاعات مربوط به یک شخص معین یا قابل تمایز که موجب شناسایی او از سایرین می‌شود. برخی از این داده‌ها، «داده‌های شخصی حساس» نامیده می‌شوند که در حوزه حریم خصوصی حساسیت بیشتری دارند و عبارتند از داده‌ها و اطلاعات مربوط به جنبه کاملاً شخصی و فردی زندگی یک فرد، از قبیل مشخصات نژادی، عقاید سیاسی و مذهبی، اطلاعات مربوط به سلامت جسمی، روانی، ژنتیکی و اقتصادی.^۲

فضای سایبر یک فضای عمومی است، مثل فضای یک شهر که هرکس می‌تواند در آن قدم بزند، با دیگران صحبت کند یا روزنامه بفروشد. سازمان‌های عمومی در این فضا به ارائه خدمات می‌پردازند. تمامی این امور با جریان یافتن، ذخیره و پردازش داده‌ها صورت می‌گیرد. بدیهی است تمامی داده‌ها به حریم خصوصی افراد در فضای سایبر مربوط نمی‌شوند. آنچه در فضای سایبر جریان دارد، داده و اطلاعات است که تنها بخشی از آنها به حریم خصوصی افراد مربوط می‌شوند که در فضای سایبر ذخیره شده یا جریان دارند. لذا عبارت «حمایت از داده‌ها» معادل مطلوبی برای حریم خصوصی اطلاعاتی نیست، زیرا برخی داده‌ها برای سایر مقاصد، نظیر مقاصد تجاری، محرمانه تلقی می‌شوند و لازم است مورد حمایت قرار گیرند. همچنین داده‌هایی که در فضای عمومی سایبر در دسترس عموم قرار دارند، لازم است از برخی جنبه‌ها مورد حمایت قرار گیرند. لذا بهتر است از همان عبارت حریم خصوصی اطلاعاتی استفاده شود و حمایت داده که یک عبارت کلی‌تر است، در جای خود استفاده شود.

1. Personal Data

2. Ian J Lloyd, "Information Technology Law", Oxford University Press, Forth Edition, 2004, p. 94.

با توجه به مباحث فوق، مصادیق حریم خصوصی اطلاعاتی در فضای سایبر کدامند؟ اولین مورد، فضاهای شبکه‌ای هستند که فرد، اطلاعات مربوط به خودش را در آنها ذخیره می‌کند و نمی‌خواهد دیگران بدون اجازه او به آنها دسترسی پیدا کنند. فایل‌های فرد که بر روی رایانه شخصی متصل به شبکه قرار دارند یا بر روی یک فضای واگذاری یک خدمات میزبانی^۱ ذخیره شده‌اند، از این جمله‌اند. این فایل‌ها مثل فضای یک اتاق هستند که ممکن است اسناد تجاری به همراه عکس‌های خانوادگی در آن ذخیره شده باشند و افراد قفل‌هایی نیز برای ممانعت از ورود به آنها تعبیه کرده باشند. شکستن این قفل و ورود به فضای فایل و نگاه به آن، نقض حریم خصوصی در فضای سایبر محسوب می‌شود.

با این حال، باید در مثال‌های فوق تفکیک قائل شد. نفوذ غیرمجاز به یک رایانه شخصی و بازدید از فایل‌های آن اگرچه ممکن است الزاماً با نقض حریم خصوصی توأم نباشد، اما می‌تواند عنوان مجرمانه خاصی بیابد. سپس نفوذگر^۲ می‌تواند به اطلاعات مربوط به حریم خصوصی یا اسرار تجاری قربانی دست یابد یا آنچه را که ارزش مالکیت معنوی دارد به سرقت برَد یا تخریب کند که هر کدام می‌تواند عنوان خاص خود را داشته باشد. همچنین است بازدید غیرمجاز از فایل‌هایی که در فضای خدمات میزبانی ذخیره شده است که البته تنها در صورتی نقض حریم خصوصی محسوب خواهد شد که آن فایل‌ها به اشتراک عموم گذاشته نشده باشند.

نوع دیگری از نقض حریم خصوصی در فضای سایبر، تحصیل، ذخیره، پردازش، افشاء و انتشار غیرمجاز اطلاعات مربوط به حریم خصوصی در این فضا یا از طریق این فضا است. از گذشته‌های دور، امکان ارتکاب اینگونه اعمال وجود داشته است، ولی آنچه اهمیت دارد، افزایش سرعت سهولت و حجم تحصیل، ذخیره، پردازش و انتشار اطلاعات در فضای سایبر است.

در این میان، ممکن است هرچیز به فضای سایبر منتقل شده باشد، یعنی از طریق فضای سایبر می‌توان به تحصیل، ذخیره، پردازش و انتشار هر نوع اطلاعات پرداخت. اما آنچه حریم خصوصی اطلاعاتی فرد در فضای سایبر محسوب می‌شود، فایل‌هایی است که اطلاعات شخصی فرد در آنها ذخیره شده‌اند و دسترسی غیرقانونی و بدون رضایت فرد به محتوای آنها نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود و در این رابطه اصول حاکم بر

تحصیل، پردازش و انتشار اطلاعات مربوط به حریم خصوصی در فضای واقعی با فضای سایبر تفاوتی ندارد.

در هر حال، از آنجا که رایانه یک شخص یا فایل‌های ذخیره شده‌اش در فضای ذخیره خدمات میزبانی که اشتراکی^۱ هم نیست، بطور معمول می‌تواند حاوی اطلاعات شخصی باشد، باید از نفوذ غیرمجاز مصون باشد، زیرا حتی برای مثال، نگاه کردن به مقالات ذخیره شده در فایل‌های موجود در یک رایانه می‌تواند از تمایلات سیاسی صاحب آن اطلاعاتی بدست دهد، حال آنکه عقاید سیاسی فرد، در زمره اطلاعات شخصی حساس قرار می‌گیرد. بنابراین، تمامی فضاهای غیراشتراکی یا اشتراکی محدود که حاوی فایل‌های شخصی هستند، حریم خصوصی اطلاعاتی فرد در فضای سایبر محسوب می‌شوند و دسترسی غیرقانونی یا بدون رضایت صاحب آن نقض این حریم محسوب خواهد شد.

۴. حریم خصوصی در فضای عمومی سایبر

اشاره شد که حریم خصوصی در فضای عمومی، تمایل به گمنامی به هنگام حضور در این فضا است. افراد که در فضاهای عمومی به دنبال امورات خود هستند، تمایل ندارند از سوی دیگران تعقیب شوند. این امر در فضای سایبر نیز مصداق دارد. کاربری که از وبسایت‌های مختلف دیدن می‌کند و از پیوندی به پیوند دیگر و صفحه‌ای به صفحه دیگر می‌رود، نمی‌خواهد دیگران بدانند او از کدام وبسایت و صفحات بازدید کرده است، زیرا آگاهی از این امر در یک مدت زمان کم و بیش طولانی می‌تواند گرایش‌های سیاسی یا سایر اطلاعات راجع به عادات و افکار او را آشکار سازد. لذا نقض حریم خصوصی او در فضای سایبر محسوب می‌شود. ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی (ISPها) و سطوح بالاتر آن بطور مستقیم و دارندگان وبسایت‌ها با فرستادن کوکی‌ها^۲ می‌توانند حرکت کاربران را در فضای سایبر تعقیب کنند. اگر این اقدام، غیرقانونی یا بدون رضایت کاربران باشد، نقض حریم خصوصی‌شان خواهد بود.

۵. حریم خصوصی ارتباطاتی

ارتباطات که سابقاً از طریق پیک و پست و تلگراف و تلفن صورت می‌گرفت، امروزه بطور گسترده به فضای سایبر راه یافته است. می‌توان گفت به جز پست و برخی ارتباطات

1. Shared
2. Cookies

رادیویی و سیمی محدود، بخش اعظم باقیمانده ارتباطات به فضای سایبر انتقال یافته است. بنابراین، بالتبع بخش اعظم حریم خصوصی ارتباطاتی افراد نیز به این فضا انتقال یافته و در این فضا نیز قابل نقض است.

علاوه بر بخش اعظم ارتباطات تلفنی در فضای سایبر، صحبت در محیط‌های گپ و کنفرانس‌های شبکه‌ای و پست‌های الکترونیکی، شکل‌های دیگری از ارتباطات سایبری وجود دارد که لازم است از هرگونه تخریب، تفتیش، شنود و دستیابی غیرمجاز مصون باشند. البته تفتیش و شنود در مورد تالارهای عمومی گفتگو که در آنها از علایم صوتی، تصویری و نوشتاری استفاده می‌شود، صدق نمی‌کند، ولی محیط‌های گفتگوی ۲ یا چند نفره، حریم خصوصی ارتباطاتی افراد به شمار می‌آیند.

آنچه در اینجا اهمیت دارد، «محتوای»^۱ ارتباطات و مراسلات است که می‌توان دو رکن برای آن در نظر گرفت: صحت^۲ و محرمانگی؛^۳ به این معنی که هم مصون از تغییر و دخل و تصرف باقی بماند و هم افشا نشود. اما آنچه اصولاً حریم خصوصی محسوب می‌شود، محرمانگی است و تغییر محتوا بدون آگاهی از مضمون آن توسط دیگری، نقض حریم خصوصی نیست و می‌تواند عنوان مجرمانه دیگری داشته باشد.

همچنین، تحلیل «داده‌های ترافیکی»^۴ و «مکانی»^۵ نیز اگر بطور غیرمجاز انجام شود، می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی ارتباطاتی و اطلاعاتی اشخاص شود. در اینجا اگرچه ممکن است تحلیل‌گر از محتوای ارتباطات آگاه نشود، اما می‌داند که فرد با چه کسانی یا گروه‌هایی در ارتباط است که این امر می‌تواند از بسیاری جهات معنی‌دار باشد. از آنجا که تحلیل داده‌های ترافیک و مکانی به راحتی و به صورت خودکار امکان‌پذیر است، لذا بکارگیری غیرمجاز آن موجب می‌شود تا حریم خصوصی اطلاعاتی و ارتباطاتی افراد در فضای سایبر آسیب‌پذیرتر شود، زیرا قابلیت انطباق اطلاعات مبادله شده کاربر با تحلیل خودکار داده‌های ترافیک و مکانی، امکان آگاهی از گرایش‌های وی را فراهم می‌آورد.

راه‌های متفاوت دیگری نیز برای نفوذ و دسترسی غیرمجاز به حریم خصوصی ارتباطاتی افراد در فضای سایبر وجود دارد که هر روزه بر تعداد آنها اضافه می‌شود. برخی از آنها عبارتند از:

-
1. Content
 2. Integrity
 3. Confidentiality
 4. Data Traffic
 5. Location data

الف) استفاده از کلیدثبت‌کن^۱

کلیدثبت‌کن ابزاری است که کلیدهای فشرده شده از سوی کاربر بر روی صفحه کلید رایانه را ثبت می‌کند. این ابزار که به صورت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تولید شده و در دسترس است، کاربردهای گوناگونی دارد. کلیدثبت‌کن در فهرست فرایندهای سیستم هم ظاهر نمی‌شود. بنابراین، تشخیص آن بر روی دستگاه به سادگی امکان‌پذیر نیست. قابلیت کلیدثبت‌کن‌ها در این است که هر کلیدی که فشرده می‌شود را ذخیره و فهرستی از حروف تایپ شده بر روی رایانه را تولید می‌کنند. سپس این فهرست در اختیار فردی که برنامه را بر روی دستگاه نصب کرده قرار می‌گیرد. بعضی از کلیدثبت‌کن‌ها می‌توانند گزارش حروف تایپ شده را به رایانه دیگر بر روی شبکه ارسال کنند. امکان ارسال اطلاعات ذخیره شده از طریق پست الکترونیکی هم وجود دارد. علاوه بر ذخیره حروف تایپ شده، بعضی از کلیدثبت‌کن‌ها اطلاعات خاصی را به طور جداگانه ثبت و گزارش آنها را تولید می‌کنند. فهرست آدرس‌های اینترنتی که کاربر دستگاه وارد کرده یا پیام‌هایی که در جریان گپ اینترنتی بین کاربر و دیگران رد و بدل می‌شود، از جمله این اطلاعاتند.

ارسال کلیدثبت‌کن از طریق پست الکترونیکی هم امکان‌پذیر است. در این روش، نرم‌افزار به همراه یک فایل پیوست برای قربانی ارسال می‌شود. باز کردن نامه و گرفتن پیوست آن منجر به نصب و فعال شدن کلیدثبت‌کن بر روی دستگاه می‌شود.

ب) ارتباط‌ربایی^۲

در اصل به معنای هواپیماربایی یا سایر وسایل نقلیه به همراه مسافران آن است. اما در فضای سایبر، ارتباط‌ربایی نوعی حمله شبکه‌ای است که مهاجم کنترل ارتباط را در اختیار می‌گیرد. همانند یک هواپیماربا که کنترل پرواز را در اختیار می‌گیرد، نفوذگر بین دو طرف ارتباط شبکه‌ای قرار می‌گیرد و برای هر یک خود را جای دیگری وانمود می‌کند. ارتباط‌ربایی به دو شکل قابل ارتکاب است: ارتباط‌ربایی نوع اول و ارتباط‌ربایی نوع دوم.

۱. ارتباط‌ربایی نوع اول

در اینجا مهاجم کنترل یک ارتباط در حال انجام را در اختیار می‌گیرد. وی پیام‌ها را به هنگام تبادل «کلید عمومی»^۳ دریافت می‌کند و آنها را با جایگزین کردن کلید عمومی

1. Key Logger
2. Hijacking
3. General Key

خودش، مجدداً برای درخواست کننده ارسال می کند، به طوری که دو طرف هنوز تصور می کنند در حال ارتباط مستقیم هستند. نفوذگر از برنامه ای استفاده می کند که مشتری آن را «سرور»^۱ و سرور «مشتری»^۲ می پندارد. ممکن است این نوع حمله فقط برای دستیابی به پیام ها یا تغییر آنها و سپس ارسال دوباره شان اجرا شود.

۲. ارتباط ربابی نوع دوم

نوع دیگر ارتباط ربابی، «مرورگر ربابی»^۳ است که در آن یک کاربر به سایت متفاوتی با آنچه خودش درخواست کرده هدایت می شود.

بند پنجم: حدود حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر

همانطور که در مبانی ذکر شد، حق بر حریم خصوصی برای حفظ کرامت انسانی ضروری بوده و از حقوق اساسی بشر محسوب می شود. ممکن است این حق با سایر حقوق و مصلحت ها در تعارض قرار گیرد. از جمله سایر حقوقی که حق بر حریم خصوصی می تواند با آنها در تعارض باشد، حق آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات است.

اول: آزادی بیان و حریم خصوصی

از این نظر که هر دوی این حقوق از جمله حقوق هنجاری^۴ محسوب شده و ذاتاً ارزشمندند، ابزاری برای برخورداری از سایر حقوق نیستند. لذا به هنگام تعارض این دو باید یک قضاوت ارزشی به عمل آید تا گستره حوزه هر یک مشخص شود. به نظر می رسد اصولاً در تعارض این دو حق مبالغه می شود، زیرا فرد حق بر حریم خصوصی دارد و سایرین می خواهند آزادی بیان داشته باشند. فردی که می خواهد آزادی بیان خود را استیفا کند، در واقع می خواهد اطلاعاتی را که در ذهن خود دارد به دیگران ارائه دهد. این اطلاعات می تواند راجع به فردی باشد که می خواهد حریم خصوصی اش حفظ شود. در این مرحله، به هر صورت اطلاعات کسب شده و در ذهن فردی است که می خواهد ارائه دهد. حال این اطلاعات می تواند از طریق قانونی یا رضایت فرد خواهان برخورداری از حق بر حریم خصوصی کسب شده باشد یا از طریق غیرقانونی و بدون رضایت او. اگر شق دوم باشد که تعارضی در کار نیست و فرد «ب» حریم خصوصی فرد «الف» را نقض کرده و اطلاعات را

1. Server
2. Client
3. Browser Hijacking
4. Normative

به طور غیرقانونی کسب کرده است و اکنون می‌خواهد انتشار دهد. از آنجا که از ابتدا کار او غیرقانونی بوده، انتشار آنها نیز غیرقانونی است و استیفای حق آزادی بیان محسوب نمی‌شود.

اما اگر مضمول شق اول باشد و اطلاعات با رضایت فرد «الف» یا بطور قانونی کسب شده باشد، دو حالت متصور است: اول اینکه مجاز است اطلاعات را به سایرین منتقل کند یا اینکه مجاز نیست، در حالت اول تعارضی بین دو حق بوجود نمی‌آید و فرد می‌تواند آزادی بیان خود را استیفا کند و اطلاعات مزبور مضمول حریم خصوصی نمی‌شود، اما در حالت دوم، اطلاعات ارائه شده هنوز در این حوزه قرار دارد و افشای آنها از سوی فرد «ب» نوعی خیانت در امانت است. در اینجا نیز تعارضی بین این دو وجود ندارد، یعنی فرد «ب» می‌خواهد حرفی بزند که حاوی اطلاعات راجع به «الف» است که «ب» یا آنها را بطور قانونی تحصیل کرده و مجاز به انتشار آنهاست یا بطور قانونی تحصیل کرده، اما مجاز به انتشار آنها نیست یا اینکه یا غیرقانونی تحصیل کرده که در هر سه صورت تعارضی بین این دو وجود ندارد.

دوم: تزامم حق بر حریم خصوصی با حق دسترسی به اطلاعات

آنچه در فضای سایبر جریان دارد یا ذخیره، پردازش و منتشر می‌شود، «اطلاعات» است و این فضا دسترسی به اطلاعات را بسیار سهل و آسان کرده است. مبنای حق دسترسی به اطلاعات، حق بر دانستن است. انسان حق دارد بداند و لازمه دسترسی به اطلاعات چرخش آزادانه اطلاعات است، اما آنچه بیشتر در این ارتباط مدنظر است، دسترسی به اطلاعات و اسناد دولتی است و نه اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد. اما آنچه در عمل بیشتر اتفاق می‌افتد، این است که اسناد و اطلاعات دولتی محرمانه تلقی می‌شوند و آنچه آزادانه در گردش است، اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد است. حق بر حریم خصوصی مانعی در برابر چرخش آزادانه اطلاعات نیست، بلکه از دسترسی به برخی از اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد ممانعت می‌کند و از آنجا که این حق برای پاسداری از کرامت انسانی ضروری است، لذا تعیین حد این دو حق ممکن است از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت کند.

سوم: حق بر حریم خصوصی و مصالح عمومی

مصلحت عمومی را نباید با سیاست‌گذاری مقامات عمومی یکی پنداشت. به عبارت دیگر، نمی‌توان پذیرفت که مصلحت عمومی همان چیزی است که در فرمان مقامات رسمی آمده

است، زیرا ممکن است مقامات عمومی برداشت نادرستی از مصلحت جامعه داشته باشند، اشتباهات جدی و آشکاری را در شکل‌دهی و اجرای سیاست‌های عمومی مرتکب شوند و کشتی دولت را به نابودی بکشانند؛ یا اینکه در اجرای مسئولیت‌هایشان خودخواهانه عمل کنند. خیر عمومی نه به دنبال ارضای حداکثری تمایلات فردی و نه پیشبرد نفع یا مصلحت جمعی است، بلکه هدف آن برقراری شرایط اجتماعی است که در آن افراد بتوانند با کار جدی و مولد، یک زندگی مناسب با کرامت و عزتمند انسانی برپا سازند. لذا نمی‌توان عنصر هنجاری - ارزشی را از هرگونه تصمیمی درباره مصلحت عمومی جدا کرد؛ یعنی سیاست‌های اتخاذ شده برای ارتقای مصلحت عمومی باید در پی تقویت کرامت انسانی باشند و نه گسترش خواری انسان‌ها. به این ترتیب، راه‌حل مشکلات عینی در حوزه مصلحت عمومی، ضرورتاً به میزان جدی بودن و گستره آن چالش، خلق و خوی مردم و میزان پیشرفت فنی و فکری بستگی دارد.

در نظام اجتماعی که برای فرد اهمیت قائل است و می‌خواهد حقوق او را حفظ کند، تنش مجادله‌آمیز میان آزادی فردی و ضرورت عمومی اجتناب‌پذیر است. تنها راهکار برای ایجاد یک تعادل مطلوب میان این دو، برقراری سازوکاری مردم‌سالارانه است که در کارکرد صحیح آن مشخص می‌شود. نقطه تعادل مورد نظر جامعه و افراد کدام است و در صورت بروز اختلاف، قوه قضائیه مستقل می‌تواند به قضاوت بنشیند. لذا در ارتباط با تعارض حق بر حریم خصوصی به طور اعم و در فضای سایبر به طور اخص با مصالح عمومی، نظیر بهداشت، سلامت عمومی، امنیت و اخلاق حسنه در یک حکومت مردم‌سالار، مردم آزادانه به نقطه تعادل رأی خواهند داد و چنین تعارضی مشکل خاصی ایجاد نخواهد کرد.

بند ششم: بازتاب حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر در اسناد بین‌المللی

منابع حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر، جدای از منابع اصلی آن نیست و اگرچه ممکن است آنها اشاره‌ای به جزئیات نداشته باشند، اما در کلیت خود حریم خصوصی در فضای سایبر را نیز دربرمی‌گیرند. زیرا چنانکه ذکر شد، ماهیت این حق در فضای سایبر با ماهیت آن در فضای واقعی تفاوتی ندارد.

اول: اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

ماده (۱۲) این اعلامیه مقرر می‌دارد: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش

نباید مورد تعرض قرار گیرد. هرکس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد».

اعلامیه جهانی حقوق بشر اگرچه در ماهیت یک اعلامیه است و از لحاظ حقوقی الزام‌آور نیست، ولی امروزه با تأکیدات مکرری که بر محتوای آن شده، به عرف بین‌المللی تبدیل شده و برای امضاءکنندگان لازم‌الاجرا محسوب می‌شود و برخی از قواعد آن به قواعد امره بین‌المللی تبدیل شده‌اند. از جمله آنها ماده (۱۲) در ارتباط با حریم خصوصی فوق‌الذکر است.

نکته دیگری که از جمله درباره حق حریم خصوصی در ارتباط با همه حقوق مذکور در اعلامیه اهمیت زیادی دارد، در بند (۲) ماده (۲۹) در مقام ترسیم حدود این حقوق آمده است. این بند مقرر می‌دارد: «هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به موجب قانون، منحصراً به منظور رسمیت یافتن و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه مردم‌سالار وضع گردیده است».

دوم: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۷۶)

این میثاق یک سند الزام‌آور حقوقی است که دولت‌های عضو متعهد به رعایت مفاد آنند. میثاق، در ماده (۱۷) راجع به حق بر حریم خصوصی مقرر می‌دارد: «۱. هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات خود مورد مداخله خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود. ۲. هرکس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار باشد».

نظر به اینکه ایران از امضاءکنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، لذا متعهد به مفاد این اسناد از جمله حمایت از حریم خصوصی افراد است، به ویژه آنکه بر اساس ماده (۹) قانون مدنی «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». به این ترتیب، راجع به نقض حق بر حریم خصوصی افراد، ماده (۱۷) میثاق در دادگاه قابل استناد است، هرچند دادگاه‌های ایران عملاً به این تعهدات توجهی ندارند.

سوم: کنوانسیون جرایم سایبر (بوداپست)

این کنوانسیون در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱ طی یک کنفرانس بین‌المللی راجع به جرایم سایبری توسط سران کشورها به امضاء رسید. هدف این کنوانسیون ایجاد هماهنگی میان سیاست‌ها و قوانین شکلی و ماهوی دولت‌های امضاءکننده و برقراری همکاری‌های بین‌المللی جهت مبارزه با پدیده‌های مجرمانه فناوری محور است. در برخی مواد آن به جرایم مرتبط با نقض حریم خصوصی در فضای سایبر نیز اشاره شده است. برای مثال، در ماده (۲) آمده «هر یک از کشورها باید با قانونگذاری و اتخاذ سایر تدابیر، دستیابی بدون حق و عامدانه به تمام یا بخشی از سیستم رایانه‌ای را به عنوان یک جرم کیفری وارد قوانین داخلی خود کنند». بنابراین، اگرچه دستیابی عامدانه و بدون حق ممکن است با مقاصد متفاوتی نظیر جاسوسی یا تخریب داده‌ها یا کسب منفعت ارتکاب یابد، ولی شامل دسترسی غیرمجاز به داده‌های مربوط به حریم خصوصی افراد نیز می‌شود. در هر حال، بر اساس کنوانسیون، نفوذ غیرمجاز با شیوه‌هایی نظیر هک^۱ و کرک^۲ باید جرم‌انگاری شود.

همچنین، بر اساس ماده (۳) لازم است کشورهای عضو، شنود عمدی بدون حق جریان خصوصی داده‌های رایانه‌ای را با استفاده از وسایل فنی، نظیر شنود امواج الکترومغناطیسی منتشره از سیستم‌های رایانه‌ای، جرم دانسته و وارد قوانین داخلی کنند. کنوانسیون در ماده (۶) نیز پیشنهاد کرده کشورهای عضو تدابیر لازم را برای کنترل ابزارهای نفوذ و دستیابی به یک سیستم رایانه‌ای اتخاذ کنند که این امر نیز اهمیت بسزایی در حمایت از حریم خصوصی در فضای سایبر دارد.

مثال‌های فوق تنها مواردی بودند که در این کنوانسیون حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر می‌شوند که البته برای حمایت کامل از این حق کافی نیستند.

بند هفتم: قوانین داخلی

اول: سابقه حمایت از حریم خصوصی در قوانین ایران

به این موضوع برای اولین بار در قانون اساسی زمان ناصرالدین شاه و قبل از مشروطه، البته بدون ذکر عبارت آن اشاره شد. در فقره ششم از قانون سوم در باب «حقوق ملت» مقرر می‌دارد: «دخول جبری در مسکن هیچ رعیت ایرانی جایز نیست مگر به حکم قانون».

متمم قانون اساسى مشروطه، مصوب ۱۴ ذيقعدة الحرام ۱۳۲۴ ه.ق. نيز در چند اصل به حمايت از حريم خصوصى پرداخته است. از جمله: اصل نهم: «افراد و مردم از حيث جان و مال و مسكن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدى نمى توان شد مگر به حكم و ترتيبى كه قوانين مملكت تعيين مى نمايد». اصل سيزده: «منزل و خانه هر كس در حفظ و امان است. در هيچ مسكنى قهراً نمى توان داخل شد مگر به حكم و ترتيبى كه قانون مقرر نموده». اصل بيست و دويم: «مراسلات پستى كليتاً محفوظ و از ضبط و كشف مصون است مگر در مواردى كه قانون استثناء مى كند». اصل بيست و سوم: «افشاء يا توقيف مخابرات تلگرافى بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در موردى كه قانون استثناء مى كند».

دوم: قانون اساسى

قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران، بدون ذكر عبارت حريم خصوصى، از برخى جنبه هاى آن در بند سوم با عنوان «حقوق ملت» حمايت کرده است. از جمله در اصل بيست و دوم مقرر مى دارد: «حيثيت، جان، مال، حقوق، مسكن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردى كه قانون تجويز كند». در اين اصل حيثيت و مسكن را مى توان از مصاديق حريم خصوصى دانست. همچنين، در اصل (۲۵) مقرر مى دارد: «بازرسى و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش كردن مكالمات تلفنى، افشاي مخابرات تلگرافى و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حكم قانون».

چنانكه معلوم است، در اين اصول از حق بر حريم خصوصى ذكرى به ميان نيامده و فضاى سايبير نيز مورد توجه نبوده است، اما برخى مصاديق ذكر شده مى تواند در فضاى سايبير نيز مصداق داشته و مورد حمايت قرار گيرند، از جمله بازرسى، ضبط، فاش كردن مكالمات، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و تجسس همگى مى توانند در فضاى سايبير بر روى داده هاى الكترونيكى اعمال شوند.

سوم: قوانين عادى

۱. قانون آئين دادرسى كيفرى، مصوب ۱۳۷۸

در بند اول از باب اول در ارتباط با ضابطان دادگستري و تكاليف آنان در ذيل ماده (۲۴)

آمده است: «... همچنین تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضائی باشد، هرچند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام قضائی به ضابط ارجاع شده باشد». بدیهی است این بخش از ماده می‌تواند به حریم خصوصی افراد در فضای سایبر نیز تسری یابد و برای تفتیش آن در جرائم غیر مشهود باید اجازه مقام قضائی اخذ شود.

علاوه بر آن، بند سوم از باب اول این قانون با عنوان «تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم»، از ماده (۹۶) الی (۱۰۲) به حریم خصوصی منازل در زمان تفتیش و در مواد (۱۰۳) و (۱۰۴) به حریم خصوصی اطلاعاتی افراد توجه کرده است. بر اساس ماده (۱۰۳) قاضی مکلف است در مورد نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم که راجع به واقعه جرم نیستند، با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباطی با جرم ندارد نشود، اما می‌تواند از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل نماید.

همچنین بر اساس ماده (۱۰۴)، ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم در صورتی که برای کشف جرم لازم باشد، به دستور قاضی توسط مراجع ذی‌ربط توقیف و نزد قاضی فرستاده می‌شوند. بر اساس تبصره همین ماده، کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است.

بدیهی است این مواد در حمایت از حریم خصوصی در فضای سایبر وافی به مقصود نیست، زیرا بر اساس ماده (۹۶) تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به شناسایی متهم یا کشف اسباب و آلات و دلایل جرم وجود داشته باشد. همچنین بر اساس ماده (۹۷) چنانکه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد.

با کنار هم قراردادن مجموعه این مواد نمی‌توان سازوکاری استخراج کرد که از حریم خصوصی افراد به طور اعم و در فضای سایبر به طور اخص حمایت کافی کند. در اینجا دست قاضی با توسل به ظن — که برای قوی بودن آن معیاری وجود ندارد — برای نقض خصوصی‌ترین حریم افراد باز گذاشته شده و ماده (۹۷) نیز با ابهام و فقدان معیاری برای سنجش اهمیت، کمکی به حمایت از حریم خصوصی که تفتیش و بازرسی مزاحم آن

است، نمی‌کند. اگرچه در مواردی چون قتل شاید بتوان اهمیت را تشخیص داد، ولی در سایر موارد تشخیص اهمیت مشکل خواهد بود.

سؤال این است که اگر بعداً معلوم شود ظن قوی برحسب دلایل ظنی اشتباه بوده و احراز آن با نقض حریم خصوصی فرد محقق شده است، آیا صرف صدور قرار منع تعقیب کفایت خواهد کرد؟ لذا باید تا حد امکان حدود اختیارات قاضی مشخص شود.

در ارتباط با تبصره ماده (۱۰۴) نیز امنیت کشور عبارتی است که در نقض حقوق افراد، آن هم توسط قوی‌ترین ارگان‌های دولتی، مثل نهادهای اطلاعاتی، حد و مرزی نمی‌شناسد. حتی این تبصره کنترل تلفن افراد را در مواردی که به امنیت کشور مربوط است، به اجازه قاضی مشروط نکرده و نهاد اطلاعاتی قوه مجریه می‌تواند بطور گسترده و بدون وجود معیاری مشخص تلفن افراد و سایر ارتباطات آنها را در فضای سایبر شنود کند. لذا باید از مواردی چون امنیت ملی و امنیت کشور تعریف دقیقی ارائه داد و موارد مرتبط در قانون احصاء کرد. در اینجا نیز باید تفتیش و بازرسی با مجوز مقام قضائی بوده یا در مدت کوتاهی مانند کمتر از ۲۴ ساعت به اطلاع وی برسد.

۲. قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵)

برخی از مواد قانون مجازات اسلامی، بدون اشاره به عبارت حریم خصوصی در فضای سایبر با آن مرتبطند، از جمله ماده (۵۸۲) که مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده است حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

همچنین ماده (۶۴۸) کلیه کسانی را که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء نمایند به ۳ ماه و یک روز تا یک سال حبس یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌کند. این ماده می‌تواند شامل کسانی شود که خدمات اینترنتی ارائه می‌دهند، مثل ISPها و ICPها یا صاحبان سایت‌هایی که به هر عنوان اطلاعات شخصی افراد را تحصیل و ذخیره می‌کنند. چنانکه بدون رضایت مشمول داده‌ها^۱ یا به طور غیرقانونی آنها را برای

دیگران افشاء کنند، ممکن است مشمول این ماده شوند، البته باید محرم اسرار بودن به مناسبت حرفه‌شان به آنان قابل انتصاب باشد. در ماده (۵۸۲) نیز فقط مأموران دولتی مشمول ماده قرار می‌گیرند. البته مصادیق دیگری از نقض حریم خصوصی در فضای سایبر وجود دارد که تحت شمول این ماده قرار نمی‌گیرند.

۳. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

ابتدا لازم به ذکر است که حق بر حریم خصوصی در زمره حقوق بشر قرار می‌گیرد و به تبع آن هر شهروند از آن بهره‌مند است و این حق با تابعیت که حقوق شهروندی را از حقوق بشر متمایز می‌کند ارتباطی ندارد و به عبارتی شهروند و غیرشهروند از این حق بهره‌مندند. با این توضیح، بند (۸) این ماده واحده مقرر می‌دارد: «بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری با کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیائی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد».

همچنین در بند (۱۱) آمده است: «پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی اجتناب گردد». با این حال، مقرر مندرج در بند (۸) جنبه توصیه‌ای دارد و ضمانت اجرا و ارتباط مستقیمی با حریم خصوصی در فضای سایبر ندارد و بند (۱۱) نیز به نوعی تکرار مکررات، بدون ارایه معیاری مشخص است.

۴. قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹)

این قانون به حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر نمی‌پردازد، اما از آنجا که ممکن است در نقض حریم خصوصی افراد به جای خسارات مادی به قربانی خسارات معنوی وارد شده باشد، حکم قابل توجهی به شمار می‌آید. هرچند در دادگاه‌های ایران به آن توجهی نمی‌شود. به هر حال، قانون مسئولیت مدنی با پیش‌بینی لزوم جبران خسارات معنوی در مواد (۱) و (۱۰) خود، اهمیتی اساسی دارد. به ویژه ماده (۱۰) مقرر می‌دارد: «کسی که به حیثیت و

اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر، از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.»

۵. قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹)

این قانون در بند «ف» ماده (۳)، به عنوان وظیفه این وزارتخانه مقرر می‌دارد: «حفاظت و حراست و عدم ضبط و افشای انواع مراسلات و امانات پستی و همچنین مکالمات تلفنی و مبادلات شبکه‌های اطلاع‌رسانی و اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی طبق قانون». همانطور که این مقرر نشان می‌دهد گستره بیشتری از حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر را دربرمی‌گیرد، اما از آنجا که به کلیات اشاره کرده است، نمی‌توان در عمل شاهد ملاحظات جدی بود. هرچند این قانون ظرفیت چنین ضوابطی را ندارد و باید در قوانین خاص به آنها پرداخت.

چهارم: سایر مقررات

مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۰، صرفنظر از اینکه مقررات مصوب این شورا از چه جایگاهی برخوردارند، شامل سه آیین‌نامه می‌شوند که عبارتند از:

۱. آیین‌نامه نحوه اخذ ضوابط فنی نقطه تماس بین‌المللی

بند «ج» پاراگراف (۶) این آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «ج) دایرکننده نقطه تماس بین‌المللی اینترنتی موظف است بانک فعالیتهای اینترنتی کاربران خود را قابل دسترسی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات قرار دهد تا بر اساس ضوابط و مصوبات شورای عالی امنیت ملی با حکم قاضی ذی‌ربط حسب درخواست در اختیار وزارت اطلاعات قرار گیرد». نظر به اینکه آیین‌نامه نمی‌تواند حق و تکلیفی فراتر از قانون ایجاد کند و اصل بر عدم صلاحیت دولت است، سؤال این است که بدون وجود قانون مصوب، این وظیفه بسیار ثقیل برای دایرکننده نقطه تماس که با حقوق تمامی افراد ملت ارتباط مستقیم دارد، از کجا ناشی می‌شود؟ همچنین، مصوبات شورای عالی امنیت ملی نیز فراتر از قانون نیست و

قاضی باید در تصمیم‌گیری نسبت به درخواست وزارت اطلاعات، از استقلال و بی‌طرفی لازم برخوردار باشد تا حریم خصوصی افراد در مقابل مداخلات بی‌رویه نهادهای دولتی مصون بماند.

۲. آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت (ISP)

این آیین‌نامه مجدداً در بند (۵-۳-۱۵) مقرر می‌دارد: «حریم اطلاعات خصوصی کاربران از مصونیت برخوردار بوده و هرگونه دسترسی غیرقانونی توسط رساها و هر مرجع دیگر به فعالیت‌های اینترنتی کاربران ممنوع است». همچنین در بند (۶) آمده است: «تولید و عرضه موارد زیر توسط رساها و کاربران ممنوع می‌باشد: ... ۶-۱۳: افشای روابط خصوصی افراد و تجاوز به حریم اطلاعات شخصی آنان. ۶-۱۴: انتشار اطلاعات حاوی کلیدهای رمز بانکهای اطلاعاتی، نرم‌افزارهای خاص، صندوقهای پست الکترونیکی و یا روش شکستن آنها. ... ۶-۱۷: هرگونه نفوذ غیرمجاز به مراکز دارنده اطلاعات خصوصی و محرمانه و تلاش در جهت شکستن قفل و رمز سیستم‌ها. ... ۶-۱۹: هرگونه تلاش برای انجام شنود و بررسی بسته‌های اطلاعاتی در حال گذر در شبکه که به دیگران تعلق دارد».

۳. آیین‌نامه دفاتر خدمات اینترنت (کافی‌نت)

ارائه‌کنندگان خدمات دسترسی حضوری یا همان کافی‌نت‌ها موظفند بر اساس این آیین‌نامه ضوابطی را در ارتباط با حریم خصوصی افراد رعایت کنند، از جمله موارد ذیل منع شده است: «... ۷-۱۵: افشای روابط خصوصی افراد و تجاوز به حریم اطلاعات شخصی آنان. ۷-۱۶: انتشار اطلاعات حاوی کلیدهای رمز بانکهای اطلاعاتی، نرم‌افزارهای خاص، صندوقهای پست الکترونیکی و یا روش شکستن آنها. ۷-۱۹: هرگونه نفوذ غیرمجاز به مراکز دارنده اطلاعات خصوصی و محرمانه و تلاش برای شکستن قفل رمز سیستم‌ها. ۷-۲۱: هرگونه تلاش برای شنود و بررسی بسته‌های اطلاعاتی در حال گذر در شبکه که به دیگران تعلق دارد».

بند هشتم: بازتاب حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر در قوانین سایر کشورها

در این بخش قوانین و مقررات دو کشور ایالات متحده آمریکا و فیلیپین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ایالات متحده آمریکا

فارغ از موضوع حریم خصوصی در فضای سایبر، اصل موضوع در ایالات متحده از منابع مختلفی سرچشمه می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به حقوق عرفی، قانون اساسی و قوانین فدرال و ایالتی اشاره کرد. از ارزش‌های مربوط به حریم خصوصی، در پنج حوزه حمایت می‌شود که عبارتند از:

حریم خصوصی جانی که از فرد در برابر بازرسی سرزده حمایت می‌کند؛
حریم خصوصی تصمیم‌گیری که از فرد در برابر مداخله دیگران در تصمیمات مربوط به خود و خانواده‌اش حمایت می‌کند؛
حریم خصوصی اطلاعاتی که از فرد در جهت کنترل جریان اطلاعات مربوط به خودش از سایرین حمایت می‌کند؛
حریم خصوصی ارتباطاتی که بخش فرعی حریم خصوصی اطلاعاتی محسوب می‌شود و از محرمانگی ارتباطات فردی حمایت می‌کند؛ و
حریم خصوصی ارضی.

با این حال، تعبیر «حریم خصوصی»^۱ در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا نیامده است. اما از ارزش‌ها و ملاحظات مربوط به آن به طور ضمنی حمایت شده و به ویژه در اصلاحیه‌های بعدی، این حمایت تقویت نیز شده است. برای نمونه، اصلاحیه اول،^۲ آزادی بیان، اجتماعات و دسترسی به اطلاعات را تضمین می‌کند. دیوان عالی ایالات متحده در رسیدگی به دعاوی مربوط به این حقوق، به حق افراد بر آزادی بیان و اجتماعات و دریافت اطلاعات، بدون اینکه هویت آنها آشکار شود، رأی داده است. دیوان عالی با تأیید حق بر گمنامی در بیانات سیاسی، افشای فهرست اعضای گروه‌ها را در آزادی اجتماعات و تشکل‌ها مضر تشخیص و حکم داده چنین فهرست‌هایی باید از دست دولت دور باشد.

همچنین در ارتباط با اصلاحیه سوم، دیوان عالی حمایت این اصلاحیه از حق بر حریم خصوصی در مقابل نظارت بی‌دلیل و افشای بدون رضایت را مورد تأیید قرار داده است. اصلاحیه چهارم، از افراد در برابر بازرسی بدون دلیل بدنی و اماکن آنها حمایت می‌کند، ضبط اموال آنان را ممنوع می‌داند و محدودیت‌هایی را بر دولت اعمال می‌کند. این اصلاحیه از حقوق عرفی سرچشمه می‌گیرد، به نحوی که در قرن هفدهم، دادگاه‌های

1. Privacy
2. First Amendment

انگلیس نیروهای سلطنتی را از ورود به خانه افراد منع می‌کردند. در پرونده سیماین^۱ در سال ۱۶۰۳، دادگاه مقرر داشت: «خانه هرکس مثل قلعه و سنگر اوست». در هر حال، ورود به خانه افراد باید با آگاهی صاحب خانه (متصرف یا ساکن) و با ارائه دستور کتبی از سوی مراجع ذیصلاح قانون صورت گیرد. همچنین، براساس این اصلاحیه، شنود و سایر انواع نظارت الکترونیکی ممنوع است، مگر به موجب قانون و در جرایم خطرناک و فقط در صورتی تجویز می‌شود که سایر انواع شیوه‌های تحقیق مؤثر نباشد. با این حال، در سال‌های اخیر بر فهرست جرایم خطرناک افزوده شده که تروریسم از جمله آنها است. البته از نظر دیوان عالی ایالات متحده، ارتباطات الکترونیکی، نظیر پست الکترونیکی، معادل ارتباطات صوتی و از حمایت لازم برخوردار نیستند.

حمایت اصلاحیه پنجم در برابر اجبار به اقرار نیز مبنای حمایت از حریم خصوصی، به ویژه حق بر حریم خصوصی در تصمیم‌گیری قرار گرفته است. دیوان عالی تفسیر مضیقی از آن را پذیرفته است.

نکته جالب توجه این است که قانون اساسی تنها اعمال دولت را محدود می‌کند، ولی از حقوق شهروندان در برابر مداخله سایر افراد حمایت مستقیم به عمل نمی‌آورد و اگرچه این قانون در دادگاه‌های این کشور قابل استناد است، اما کفایت نمی‌کند و قانون عادی که مختص حمایت از این حق باشد نیز وجود ندارد. با این حال، قانون کمیسیون تجارت فدرال^۲ مصوب ۱۹۱۴، به ابزاری برای حمایت از حق بر حریم خصوصی تبدیل شده است، به نحوی که بخش (۵) آن به کمیسیون صلاحیت می‌دهد با اعمال غیرمنصفانه تجاری، به ویژه جمع‌آوری داده‌های شخصی برخورد کند.

اگرچه قوانین یادشده مواردی راجع به حریم خصوصی در فضای سایبر را دربردارند، اما قوانین خاص رایانه‌ای و شبکه‌ای نیز به تصویب رسیده است.

در ایالات متحده سه موج عظیم قانونگذاری پدید آمده که قواعد نوین حقوق رایانه را شکل داده‌اند. اولین طرح پیشنهادی جامع برای قانونگذاری جرایم رایانه‌ای را می‌توان یک لایحه فدرال دانست که در سال ۱۹۷۷ ارائه شد، اما پذیرفته نشد و بعداً با تغییراتی در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۶ از سوی کنگره به تصویب رسید.

آنچه به عنوان وجه مشترک این قوانین می‌تواند حمایت از حریم خصوصی در فضای

1. Semayne

2. Federal Trade Commission Act (FTC ACT)

سایبر را تضمین کند و در واقع «مادر» جرایم این فضا نام گرفته است، «دسترسی غیرمجاز» است. سایر جرایم رایانه‌ای شکل‌های تبعی و مشدده این جرم به شمار می‌آیند.

بطور کلی، در ایالات متحده، قانون کیفری حمایت جامعی از حریم خصوصی به عمل نمی‌آورد. جرم دسترسی غیرمجاز نیز بطور کامل آن را دربر نمی‌گیرد. با این حال، این کشور به عنوان اولین کشور دارنده شبکه‌های رایانه‌ای و استفاده بسیار گسترده از اینترنت نمی‌تواند نسبت به حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر بی‌تفاوت بماند و اخیراً با مطرح شدن مسائل مربوط به تروریسم، تزاخم بین دو حق حریم خصوصی و برخورداری از امنیت، تشدید یافته و این بیم وجود دارد که موازنه به نفع دومی تغییر یابد. بر اساس «قانون وطن‌پرستی» شنود مکالمات و ارتباطات افراد در فضای سایبر از سوی دولت مجاز شمرده شده است.

با این حال، راجع به حریم خصوصی در فضای سایبر بحث‌های زیادی از جنبه‌های مختلف شکل گرفته است. عده‌ای در ایالات متحده بر این باورند که در ارتباط با گردآوری اطلاعات از طریق وبسایت‌های اینترنتی که می‌تواند اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد باشد، باید بازار آزاد حاکم باشد، به نحوی که سایت‌ها در قبال ارائه خدمات و اطلاعات بتوانند اطلاعات شخصی افراد را مطالبه کنند. در این صورت، فرد می‌تواند با توجه به منافع خود و آنچه که دریافت می‌کند و آنچه در مقابل آن می‌پردازد، از اطلاعات و خدمات سایت استفاده و اطلاعات خود را ارائه یا از این کار صرف‌نظر کند.

در همین رابطه، گروهی پیشنهاد داده‌اند وبسایت‌ها از نظر اهمیت حریم خصوصی اطلاعاتی افراد و عدم افشا و انتقال اطلاعات به سایرین، به پنج دسته تقسیم شوند؛ به نحوی که یک سایت سطح پنج هیچ اطلاعاتی جمع‌آوری نکند و سایت سطح یک آزاد خواهد بود هرگونه اطلاعاتی را جمع‌آوری کند. در این بازار آزاد افراد آزادند به سایت دلخواه خود مراجعه کنند. البته ممکن است در چنین حالتی افرادی که از سایت‌های سطح ۵ دیدن می‌کنند، افراد مرموزی به نظر آیند که با هدف سطح‌بندی مغایر باشند. همچنین، سایت‌های سطح ۳ و ۴ متعهد خواهند بود که از انتقال و افشای اطلاعات گردآوری شده پرهیزند و سایت‌های سطوح ۱ و ۲ می‌توانند همه‌گونه اطلاعات گردآوری کنند و در انتقال و افشای آنها نیز آزادند.^۱

این دیدگاه با مخالفت‌هایی روبرو شده است. برای مثال، گفته شده بازار آزاد حریم خصوصی تبعیض‌آمیز خواهد بود و به فقرا بیشتر آسیب خواهد رساند. زیرا خدمات ارائه شده در سایت‌های سطح پنج هزینه دارد و سایت‌های سطح ۱ و ۲ رایگانند، لذا فقرا به این سایت‌ها مراجعه می‌کنند و حریم خصوصی‌شان در معرض خطر قرار می‌گیرد. همچنین، پاسخ‌دهندگان در سایت‌های سطوح ۱ و ۲ جهت حفظ حریم خصوصی خود، اطلاعات نادرست ارائه می‌دهند که این امر به اعتماد در فضای سایبر صدمه جدی وارد می‌کند و آن را از بین می‌برد. همچنانکه نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد ۳۴٪ افراد به سؤالات مطرح شده در اینترنت پاسخ‌های نادرست داده‌اند که رقم واقعی آن به مراتب بیشتر است. این وضعیت هزینه معاملات در فضای سایبر را افزایش خواهد داد. به علاوه، ممکن است در بازار آزاد انحصارهایی بوجود آید که در این صورت دو طرف معامله قدرت یکسانی نخواهند داشت. برای مثال، شرکت‌های بزرگی مثل بانک‌ها که امکانات پرداخت الکترونیکی را مهار می‌کنند، حوزه انتخاب مشتریان خود را بسیار محدود می‌کنند.

از سوی دیگر، بازار آزاد حریم خصوصی در فضای سایبر با مخالفت طرفداران حقوق بشر نیز مواجه شده است. به باور این گروه، حریم خصوصی با کرامت انسانی ارتباط دارد که نمی‌توان آن را به کلی سلب یا منتقل کرد. حریم خصوصی، برای انسان به عنوان یک فاعل اخلاقی و خودمختار امری ضروری است و نمی‌توان آن را به کالا تشبیه کرد، همچنانکه نمی‌توان از افراد خواست برای برخورداری از آزادی بیان یا عقیده و مذهب پول بپردازند. برخلاف حقوق خصوصی که همه چیز در آن به تراضی حل و فصل می‌شود، در حقوق عمومی و بشر قوه قاهره حاکم است. برخی حقوق، غیر قابل سلب و انتقال هستند. برای مثال، افراد حق رأی دارند، حال آنکه ممکن است مشتریان زیادی با مبالغ مناسب درصدد خرید آن باشند، اما این حق را نمی‌توان فروخت، زیرا در این صورت، فرد حق تعیین سرنوشت خود را به دیگری واگذار و در واقع خود را از انسانیت ساقط کرده است. لذا جامعه انسانی می‌تواند چنین فردی را به بیابان تبعید کند.^۱

طرفداران حقوق بشر معتقدند که حق بر حریم خصوصی به عنوان شاخه‌ای از حقوق بشر قابل خرید و فروش نیست و لازم است قواعدی بر وب‌سایت‌ها حاکم باشد تا دست آنان را در جمع‌آوری اطلاعات راجع به حریم خصوصی افراد کوتاه کنند. در اینجا رضایت افراد در واگذاری اطلاعاتشان به وب‌سایت‌ها نباید مستمسک قرار گیرد؛ همچنانکه یک

شرکت نمی‌تواند اجاق گاز معیوب را به ۵۰۰ هزار ریال کمتر از قیمت، به خریداری که راضی به خطرات ناشی از آن است، بفروشد.

آنچه بازار نیاز دارد، یک شبکه سالم است. در این شبکه مقدار کمی اطلاعات شخصی مربوط به حریم خصوصی برای واقع شدن یک معامله در فضای سایبر و رفع اختلافات حقوقی در آتی کفایت می‌کند، نه اینکه خود اطلاعات شخصی معامله شود.

این بحث‌ها هنوز در ایالات متحده ادامه دارد و ممکن است در آینده منجر به تصویب قانونی شود. نکته جالب توجه این است که ایالات متحده به عنوان پیشتاز استفاده از شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنتی، هنوز چنین قانونی تصویب نکرده، حال آنکه دیر زمانی است که بحث‌ها در محافل علمی و سیاسی این کشور مطرح شده و ادامه دارد. این وضعیت از تصویب قوانین شتابزده که ممکن است با نواقص فراوانی همراه باشد جلوگیری می‌کند و پس از روشن شدن تمامی ابعاد قضیه تصویب اینچنین قانونی بسیار مثمر ثمر خواهد بود.

۲. فیلپین

این کشور نیز قانون خاصی راجع به حریم خصوصی در فضای سایبر ندارد، اما قانون جرایم سایبر مصوب سال ۲۰۰۱ این کشور که در ۱۴ ماده و تعدادی بند تنظیم شده، مواردی را دربرمی‌گیرد.

هدف این قانون، حمایت از صحت رایانه‌ها، سیستم‌های رایانه‌ای و شبکه داده‌ها و اطلاعات است و از آنها در مقابل آن دسته از کاربرانی که متوسل به کلاهبرداری رایانه‌ای، سوءاستفاده یا سایر اعمال متقلبانه در فضای سایبر می‌شوند، با ضمانت اجراهای کیفری حمایت می‌کند.

در این قانون، فضای سایبر، اینترنت یا بطور کلی دنیای برخط یا دیجیتال تعریف شده است و اتصال دو یا بیشتر رایانه از طریق پایانه‌ها، امواج الکترومغناطیسی، سیم یا سایر واسط‌ها، شبکه را تشکیل می‌دهند.

در این قانون، کلاهبرداری، ورود، تغییر، پاک کردن و حذف داده‌های رایانه‌ای و برنامه‌ها یا سایر اختلال‌ها در مسیر پردازش داده که بر نتیجه پردازش موثر باشد و موجب خسارت مالی برای دیگران شود، منع شده است. همچنین، جعل رایانه‌ای، صدمه به داده‌های رایانه‌ای یا برنامه‌ها، ویرانگری^۱، خرابکاری، دسترسی غیرمجاز (دسترسی بدون

اجازه به سیستم رایانه‌ای یا شبکه با نقض تدابیر امنیتی، رهگیری غیرمجاز به، از و در داخل یک سیستم یا شبکه ممنوع شده‌اند.

تغییر و تخریب داده‌های مربوط به آزمایشات پزشکی و سلامت بهداشتی یک نفر یا تعداد بیشتری از افراد و همچنین منحرف کردن آگاهانه و عامدانه ترافیک شبکه بر اساس این قانون منع شده و هرکس در ارتباط با اعمال فوق مجرم شناخته شود، به حبس از ۱۵ تا ۲۰ سال یا پرداخت جریمه از ۵۰۰/۰۰۰ پزو تا یک میلیون پزو یا دو برابر ارزش مال موضوع عمل ممنوعه، هر کدام که بیشتر باشد یا به هر دو مجازات بنا به صلاحدید دادگاه محکوم خواهد شد.

علاوه بر قانون یاد شده، قانون تجارت الکترونیکی فیلیپین نیز در برخی از مواد خود اعمالی را منع کرده است که می‌تواند با حریم خصوصی در فضای سایبر مرتبط باشد. از جمله در ماده (۳۱)، دسترسی غیرمجاز به فایل داده‌های الکترونیکی و دسترسی به کلید الکترونیکی یا رمزهای هویتی افراد بدون رضایت آنان یا مجوز قانونی منع شده است. همچنین در ماده (۳۲) افشای اطلاعات مربوط به رمزهای الکترونیکی، داده پیام الکترونیکی یا سند الکترونیکی و سایر موارد مشابه منع شده است.

در ماده (۳۳) نیز حک و کرک که دسترسی غیرمجاز شناخته می‌شوند یا نفوذ در یک سیستم رایانه‌ای یا سیستم اطلاعاتی و ارتباطاتی یا هر دسترسی با سوءنیت برای تغییر، سرقت و تخریب از طریق ارسال ویروس و امثال آن که منجر به تخریب، تغییر، سرقت یا تحریف داده پیام‌های الکترونیکی یا اسناد الکترونیکی شود، منع شده و مرتکب به حداکثر یک صد هزار پزو و حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد. همچنین، بر اساس بند «ب» این ماده کپی غیرمجاز، بازتولید، انتشار، توزیع، بزرگ‌نمایی، استفاده، تغییر، ذخیره، بارگذاری و پیاده‌سازی ارتباطات، در دسترس عموم قرار دادن و انتشار رادیویی موارد حفاظت شده از طریق شبکه ارتباطاتی، مثل اینترنت ممنوع است و مرتکب به مجازات بند «الف» محکوم خواهد شد.

لازم به ذکر است رویکرد قانونگذاری سایبری در فیلیپین در جهت حمایت از حریم خصوصی افراد به عنوان یک جلوه حقوق بشری نبوده و بیشتر در جهت حمایت از تجارت الکترونیکی و اطلاعات محرمانه دولتی بوده است.

بند نهم: ناقضان و حامیان حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر

اول: ناقضان حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر

حق بر حریم خصوصی به عنوان جلوه‌ای از حقوق بشر، ابتدا «حق - مصونیتی» است که دولت و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی نباید مانع از برخورداری از آن شوند. ممکن است دولت و مأموران دولتی در رابطه با مسائلی از قبیل امنیت ملی و کشف جرم و بازرسی و تفتیش، این حق را نقض کنند. لذا ضروری است با تصویب قوانین مربوط حوزه عمل دولت مشخص و محدود گردد.

همچنین، علاوه بر دولت، سایر اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند با مداخله در حریم خصوصی افراد در فضای سایبر، آن را نقض کنند. این مسأله باید در تدوین قوانین مربوط مدنظر قرار گیرد، به ویژه ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، شامل نقاط تماس بین‌المللی و ISPها که فعالیت آنها در ارتباط با حریم خصوصی حساسیت زیادی دارد.

در نقض حق بر حریم خصوصی سنتی که عمدتاً در فضای واقعی صورت می‌گیرد، نقش سایر دولت‌ها و شهروندان آنها بسیار ناچیز است. در حالی که در فضای سایبر، به آسانی ارتکاب می‌یابد و به تبع آن تعارض قوانین کیفری و مشکلات مربوط به اقامه دعوی و جبران خسارات زیان‌دیده بروز می‌یابد. لذا ضروری است همکاری‌های بین‌المللی و تصویب کنوانسیون‌های لازم‌الاجرا در دستور کار قرار گیرد.

همچنین حق بر حریم خصوصی بطور اعم و در فضای سایبر بطور اخص، «حق - مطالبه» در برابر دولت محسوب می‌شود که لازم است دولت امکان بهره‌مندی از آن را فراهم و از آن حمایت کند که تدوین لوایح قانونی یکی از راهکارها محسوب می‌شود.

دوم: حامیان و ناظران حق بر حریم خصوصی در فضای سایبر

۱. نهاد ملی حامی حق بر حریم خصوصی

بر اساس اصول کنفرانس پاریس راجع به نهاد ملی، باید طبق قانون اساسی یا عادی صلاحیت آن تبیین شود. اولین شرط تأسیس این نهاد، پیش‌بینی استقلال آن است. این شرط به آن معنی نیست که حاکمیت مشارکت نداشته باشد، بلکه وجود آن برای کارآمدی و پاسخگو بودن لازم است. در اینجا مسئله مهم نقش و جایگاه حاکمیت در ساختار این نهاد است که نباید بر آن غلبه کند، بلکه باید بین بخش دولتی و غیردولتی توازن برقرار شود.

در ترکیب نهاد ملی لازم است تکثرگرایی لحاظ شود و از اقشار مختلف جامعه مدنی فعال، حقوقدانان، دانشگاهیان، اعضای پارلمان، نمایندگان بخش دولتی، صاحب‌نظران مذهبی و فلسفی حضور داشته باشند. نماینده‌ای که به نهاد معرفی می‌شود، می‌تواند از سوی هر جناحی انتخاب و معرفی شود. نمایندگان دولت، پارلمان و قوه قضائیه، اگرچه حضور دارند و بودجه نهاد از سوی دولت تأمین می‌شود، ولی در تصمیم‌گیری نهاد که با رأی‌گیری به عمل می‌آید، نباید در موضع اکثریت قرار گیرند. بودجه نهاد می‌تواند توسط خودش پیش‌بینی و به دولت و نهایتاً پارلمان ارائه شود. عضویت در آن باید دوره‌ای و تمدید آن بلامانع باشد.

۲. نهادهای بین‌المللی ناظر بر حق حریم خصوصی

نهادهای ناظر بر حوزه‌های عام و خاص این حق که جلوه‌ای از حق بشری مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شمار می‌آید، دو نوعند:

الف) نهادهای مبتنی بر منشور

از جمله این نهادها، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد است که از سال ۲۰۰۶ جای خود را به شورای حقوق بشر ملل متحد داده است. اگر دبیرخانه شورا شکایاتی مبنی بر انواع نقض حقوق بشر، از جمله نقض حق بر حریم خصوصی دریافت کند، موضوع را بررسی می‌کند و اگر از موارد نقض گسترده و نظام‌مند باشد، به کمیسیون فرعی اجازه می‌دهد تا اطلاعات راجع به نقض گسترده را بررسی کند و اگر بعد از بررسی ایجاب کرد، مطالعه جامع و عمیقی نسبت به شرایط و اوضاع و احوال کاشف نقض گسترده به عمل آورد و توصیه‌هایی به شورای اقتصادی - اجتماعی ارائه کند. همچنین، می‌تواند ناظران کشوری یا موضوعی تعیین کند. شورا مأمور اجرای کنوانسیون خاصی نیست و از هر کشور به موجب اسناد الزام‌آوری که به آن متعهد است، سؤال می‌کند. رسیدگی شورا به شکایات، فردی و جبران‌کننده مستقیم زیان‌دیدگان نیست و فقط نقض‌های گسترده و نظام‌مند را شامل می‌شود.

ب) نهادهای ناظر معاهده‌ای

از جمله این نهادها، کمیته حقوق بشر است که بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی انجام وظیفه می‌کند. سه سازوکار برای آن پیش‌بینی شده است:

۱. گزارش‌دهی اجباری

یکی از سازوکارهای نظارتی، نظام گزارش‌دهی اجباری است که بر اساس آن کشورهای عضو متعهدند گزارش‌های دوره‌ای خود را از طریق دبیر کل سازمان ملل به کمیته ارائه کنند و تدابیری را که در جهت اجرای میثاق اندیشیده و اجرا کرده‌اند به اطلاع کمیته برسانند. در ادامه، کمیته گزارش‌ها را بررسی و از کشور ارائه‌دهنده سؤالاتی می‌کند و توصیه‌هایی در جهت بهبود وضعیت برخورداری از حقوق مذکور در میثاق به عمل می‌آورد. در این رابطه، کمیته گزارشی تهیه و در اختیار کلیه کشورهای عضو قرار می‌دهد. همچنین، گزارش‌های سالیانه خود را از طریق شورای اقتصادی - اجتماعی در اختیار مجمع عمومی سازمان ملل قرار می‌دهد که می‌تواند موارد نقض حقوق بشر از سوی کشورهای عضو را بازتاب دهد.

۲. شکایات بین‌الدولی

بر اساس ماده (۴۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر یک از کشورهای عضو می‌توانند نسبت به عملکرد دولت عضو دیگر در ارتباط با نقض هر یک از حقوق بشر، نزد کمیته شکایت کنند. زمانی شکایت قابل رسیدگی است که هر دو کشور خواهان و خواننده با صدور اعلامیه‌ای صلاحیت کمیته را در رسیدگی به شکایات بین‌الدولی پذیرفته باشند.

۳. پروتکل اختیاری شکایات فردی (پروتکل شماره ۱)

اگر کشوری پروتکل شماره (۱) راجع به پذیرش صلاحیت کمیته حقوق بشر را در رسیدگی به شکایات فردی علیه آن دولت بپذیرد، در این صورت کمیته می‌تواند به این شکایات اعم از تبعه و غیرتبعه علیه کشور خواننده رسیدگی و حکم به جبران خسارات وارده را صادر کند. تاکنون شکایات چندی در کمیته راجع به نقض حق بر حریم خصوصی مطرح و رسیدگی شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به لزوم برخورداری از حق بر حریم خصوصی جهت پاسداری از کرامت انسانی و بررسی مصادیق آن در فضای سایبر و قوانین و مقررات ایران، به نظر می‌رسد آنچه به عنوان حریم خصوصی در این فضا قابل نقض است، «حریم خصوصی اطلاعاتی» است که به صورت داده محتوای ذخیره شده یا در جریان است و از آن با عنوان «حمایت از داده‌ها»

نیز یاد می‌شود و تابع اصولی است که هم بر فضای معمولی و هم بر فضای سایبر حکومت می‌کنند. این اصول عبارتند از: اصل گردآوری مشروع، اصل گردآوری مضیق و مرتبط، اصل اطلاع، اصل انتخاب، اصل امنیت، اصل شفافیت، اصل دسترسی، اصل صحت، اصل بکارگیری مرتبط، اصل عدم افشاء، اصل امحاء، اصل عدم انتقال و اصل رضایت. این اصول باید گردآوری و پردازش داده‌ها در فضای سایبر را نیز دربرگیرند.

همچنین، نخستین اقدام قانونگذاری کیفی، باید راجع به «دسترسی غیرمجاز» و اعمالی نظیر هک و کرک و بکارگیری ویروس‌هایی نظیر تروجان باشد. در ماده (۱) لایحه جرایم رایانه‌ای دسترسی غیرمجاز بطور کلی منع شده است. همچنین، شنود غیرمجاز داده‌های در حال انتقال نیز منع شده است. موارد دیگر به تحریف و انتشار فیلم، تصویر یا صوت دیگری از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی اشاره دارند که به نحوی منجر به هتک حرمت یا ضرر افراد می‌شود. در نهایت، تولید، انتشار، توزیع یا مورد معامله قرار دادن داده‌ها یا نرم‌افزارها یا هر نوع وسایل الکترونیکی که صرفاً جهت ارتکاب یکی از جرایم رایانه‌ای بکار روند و فروش و انتشار غیرمجاز رمزهای عبور و کدهای دستیابی به داده‌ها ممنوع اعلام شده است.

همچنین، از جمله مصادیق دیگر حریم خصوصی در فضای سایبر، حق بر گمنامی در کاربری فضای عمومی سایبر، مانند بازدید از وبسایت‌هاست. در اینجا لازم است تعقیب کاربران در فضای سایبر منع شود. این عمل به ویژه از سوی ISPها و ICPها یا ارسال کوکی‌ها از طریق وبسایت‌ها یا نظارت کارفرمایان بر کارکنان در یک سازمان ارتکاب می‌یابد. راجع به این موضوع، هیچ قانونی در ایران وجود ندارد و لازم است اقدامات مربوط در دستور کار قرار گیرد.

از سایر مصادیق حریم خصوصی در فضای سایبر، «حریم خصوصی ارتباطاتی» است که نفوذ و دسترسی غیرمجاز و تحلیل داده‌های ترافیک از موارد نقض آن محسوب می‌شوند. در قوانین داخلی ایران، شنود غیرمجاز مخابرات و تلگراف در قوانین متعددی منع شده و قابل تسری به فضای سایبر است. اما راجع به تحلیل داده ترافیک هیچ قانونی قابل تسری نیست. بنابراین، برای حمایت کامل از حریم خصوصی در فضای سایبر، اولاً باید اصول مربوط به حمایت از داده‌های شخصی، گردآوری و پردازش داده‌ها در فضای سایبر، به ویژه امور وبسایت‌ها را دربرگیرند. ثانیاً تعقیب افراد در فضای سایبر و تحلیل داده‌های ترافیک و

مکانی به منظور حمایت از حریم خصوصی در فضای سایبر منع قانونی شوند. در این راستا، باید محدودیت‌های ویژه‌ای برای ضابطان دادگستری به هنگام تعقیب مجرمان و کشف جرایم و بازرسی و ضبط داده‌ها و شنود ارتباطات اعمال شود. این مقررات در قانون آئین دادرسی کیفری وجود دارند و لازم است به فضای سایبر تعمیم یابند.

از آنجا که حریم خصوصی اطلاعاتی و ارتباطاتی، تحت شمول «قانون حمایت از داده‌های شخصی» قرار می‌گیرد، آنچه باقی می‌ماند منع تعقیب افراد در فضای عمومی سایبر و خرید و فروش داده‌های شخصی مربوط به حریم خصوصی آنها در این فضا است که البته این امر مورد اختلاف است.

آنچه حریم خصوصی اطلاعاتی و ارتباطاتی فضای سایبر را بسیار آسیب‌پذیر کرده است، قابلیت انطباق اطلاعات مبادله شده از سوی فرد با تحلیل خودکار داده‌های ترافیک است که به وسیله آن به کاربر موردنظر منتسب کرد. افراد هر روزه از سایت‌های مختلف بازدید و اطلاعات متفاوتی را درباره خودشان در سایت‌ها وارد می‌کنند و دارندگان سایت‌ها نیز که علاقه یا منفعی در جمع‌آوری اطلاعات شخصی دارند، از شیوه‌ای جذاب و گمراه‌کننده استفاده می‌کنند. از جمله می‌توان به سایت‌های دوست‌یابی یا همسریابی اشاره کرد که فرد اطلاعات زیادی راجع به خصوصیات خود در این سایت‌ها وارد می‌کند که با اطلاعات بدست آمده از سایر سایت‌ها یکپارچه می‌شوند و انطباق می‌یابند و از طریق داده‌های ترافیک و مکانی به فرد منتسب می‌شوند.

بدیهی است کاربر در اینجا اطلاعات را با رضایت کامل در سایت وارد می‌کند. در برخی وب‌سایت‌ها که به فروش کالا و خدمات می‌پردازند، اصولاً لازم است خریدار ثبت نام و اطلاعاتی را وارد کند. در این سایت‌ها گزینه‌ای به نام خط‌مشی حریم خصوصی^۱ وجود دارد که نحوه استفاده از این اطلاعات را توضیح می‌دهد، ولی معمولاً کاربران از خواندن آن صرف‌نظر و فرم‌ها را پر می‌کنند. در نهایت، از آنجا که بر پردازش داده‌ها در فضای سایبر کنترلی وجود ندارد، حریم خصوصی افراد نقض می‌شود.

در هر حال، عده‌ای معتقدند که لازم است خرید و فروش داده‌های شخصی در فضای سایبر با محدودیت‌هایی روبرو شود. به جای تصویب قانونی در خصوص حریم خصوصی در فضای سایبر یا قانون حمایت از داده‌ها، باید قانونی جامع در خصوص حمایت از حق

بر حریم خصوصی تصویب شود و حمایت از حریم خصوصی در فضای سایبر نیز می‌تواند بخشی از آن باشد. حمایت از سایر داده‌ها، نظیر داده‌های مربوط به اسرار تجاری یا مالکیت معنوی و امثال آن یا حفاظت از داده‌ها در برابر تخریب می‌تواند در قوانین دیگری مثل قانون تجارت الکترونیکی یا حتی قانون مجازات بیاید. بنابراین، لازم است از هرگونه شتاب‌زدگی برای قانون‌نویسی در این حوزه اجتناب شود و ابتدا از اصول کلی حاکم بر این حوزه که اتفاق نظر بر روی آنها وجود دارد، در قالب مواد قانونی حمایت به عمل آورد و سپس قدم به قدم پیش رفت.